پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۴۷ تابستان ۱۴۰۱
No.47 Summer 2022
۸۶-۶۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

نخستین کتاب چاپی مشهد (منتخب‌القصاید، ۱۲۹۴ق)

مصطفی لعل شاطری*: دانش‌آموخته دکتری، مدرس مدعو، گروه هنر، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

با ورود چاپ سنگی (۱۲۴۹ق) به ایران، پس از تبریز و تهران، در سایر شهرها نیز چاپخانه‌های متعدد ایجاد شد. در مشهد با تأخیری حدوداً پنجاه‌ساله، نخستین چاپخانه سنگی در مجموعه آستانه قدس رضوی ایجاد و طی دوران فعالیت (۱۳۴۴-۱۲۹۴ق) به انتشار آثار متعددی با درون‌مایه‌های گوناگون مذهبی، ادبی، فقهی و تاریخی با همکاری مؤلفان و مترجمان با استادان چاپ و حامیان مالی، پرداخته شد. هدف از این پژوهش با تکیه‌بر روش توصیفی-تحلیلی پاسخ به این پرسش است که نخستین کتاب چاپی مشهد چه بود، افراد فعال در چاپ آن، چه کسانی بودند و کتاب تولیدی، دارای چه ویژگی‌های ظاهری و محتوایی بود؟ یافته‌ها بر اساس بررسی‌های آرشیوی حاکی از آن است که نخستین کتاب انتشاریافته در مشهد بر اساس تکنیک چاپ سنگی و در چاپخانه آستان قدس رضوی (نخستین چاپخانه مشهد) در ۱۲۹۴ق منتشر شده است. این اثر با عنوان منتخب‌القصاید دربردارنده مجموعه‌ای از قصاید علی راقم‌مشهدی (از خوشنویسان و شاعران مشهدی) است که با کتابت او نیز آماده چاپ شد. در این بین افرادی همچون متولی وقت (مؤتمن‌الملک)، میرزا رفیع و اسماعیل تاجر هروی به‌عنوان فعالان و حامیان نشر این اثر مشارکت داشتند. ازجمله ویژگی‌های ظاهری این کتاب می‌توان به تجلید و صحافی، قطع، کاغذ، خط و آرایش درون‌متن (نقوش صفحه مشخصات و سرلوح، جدولبندی، کَمَند و غیره) اشاره کرد که از شاخص‌های نسبتاً مناسبی به‌عنوان نخستین تجربه چاپ در مشهد برخوردار است. از منظر محتوا، هرچند قرارگیری اشعار در پی یکدیگر از توالی انسجام‌یافته‌ای برخوردار نیست، اما با خوانش متن، می‌توان سه زیرشاخهٔ مدح و منقبت و ذکر رشادت‌ها و مصائب ائمه‌اطهار(ع) و خاندان ایشان، مدح متولیان، حکمرانان و فعالان سیاسی-نظامی خراسان و گاه سایر مناطق، مدح اهل علم، ادب و فرهنگ را تشخیص داد.

واژگان کلیدی: مشهد، چاپ سنگی، منتخب‌القصاید، راقم‌مشهدی، چاپخانه آستان قدس رضوی

Abstract

Several printing houses were established in Tabriz, Tehrān, and other cities with the arrival of lithography in Iran (1249 AH.). The first lithographic printing house (Chāpkhāne-yi Sangi) was established in the Astān Quds Razavi complex in Mashhad with a delay of about 50 years (1294-1344 AH.) and numerous works with different religious, literary, jurisprudential, and historical themes were published in cooperation with authors, translators, publishing professors, and sponsors. The present study aimed to rely on the descriptive and analytical method to find the first printed book in Mashhad, the active people in printing the first printed book, as well as the physical and content features of the book. The findings based on archival studies indicated that the first printed book in Mashhad using lithography technique was published in Astān Quds Razāvi printing house (the first printing house in Mashhad) in 1294 AH. This book entitled Muntakhab al-Qasāyed contains a collection of poems by 'Ali Rāqem Mashhadi who was one of the calligraphers and poets in Mashhad and then the book was prepared to be published. Meanwhile, the people such as Motamen al-Mulk, Mirzā Rafi, and Ismāil Tājer Heravi participated as the activists and supporters of publishing this work. Among the physical features of this book, there are bookbinding, size, paper, calligraphy, and in-text arrangement (motifs of page and title (Sarloh), tabulation (Jadvalbandi), Lines around the page (Kamand) etc.) which are relatively appropriate features as the first printing experience in Mashhad. In terms of content, although the placement of poems consecutively has no coherent sequence, the three sub-branches of praise, virtue, and citation of the bravery and sufferings of Imāms (AS) and their families, as well as the praise of trustees, rulers and political-military activists in Khorāsān and sometimes other regions and the praise of scholars of literature and culture can be distinguished by reading the text.

Keywords: Mashhad, Lithography, Muntakhab al-Qasāyed, Rāqem Mashhadi, Astān Quds Razavi printing house

*نویسنده مسئول مکاتبات: (mostafa.shateri@yahoo.com)

مقدمه

تاریخ آغاز چاپ در ایران ازجمله نقاط عطف در حوزه تاریخِ فرهنگ و هنر محسوب می‌شود، چنانکه تا حد زیادی محدودیت‌های پیشین در زمینه دسترسی به کتاب مبنی بر شیوه استنساخ حذف و امکانِ عمومی برای در اختیار داشتن آثاری با موضوعات مختلف و با هزینه بسیار کمتر از قبل فراهم شد. در این بین، چاپ سنگی به دلیل آسانی نسبی در فرآیند چاپ و سوددهی مطلوب برای ناشران و نیز خواست فزاینده مخاطبان، در حدود صدسال تولید کتاب را در ایران عهده‌دار بود. ورود چاپ سنگی به ایران از اواسط دوره قاجار به نحوی گسترده علاوه بر دو شهر تبریز و تهران، در سایر شهرها همچون مشهد موردتوجه حامیان فرهنگی قرار گرفت که به عنوان نمونه ثمره آن ایجاد چاپخانه‌ای در مشهد تحت عنوان چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی (دوره فعالیت: ۱۲۹۴ق تا ۱۳۴۴ق) بود. هرچند اطلاعات گسترده‌ای از این چاپخانه و افرادِ مرتبط و نیز عواملِ اجرایی آن در دست نیست، اما آنچه مسلم است، در دوران فعالیت این چاپخانه بیست‌وهشت کتاب منتشر شد که در صفحات آغاز و انجامه این آثار به‌وضوح به نام چاپخانه اشاره شده است. بااین‌حال، موضوع موردتوجه، آگاهی از نخستین کتاب انتشاریافته از سوی این چاپخانه به‌عنوان اولین کتاب چاپی مشهد است. در این راستا، پس از اشاره به ورود چاپ سنگی به ایران و مشهد و تأسیس چاپخانه آستان قدس رضوی و معرفی منتخب‌القصاید به‌عنوان نخستین کتاب چاپی در مشهد، معرفی کوششگرِ چاپ این کتاب و نیز ویژگی‌های ظاهری و محتوایی این کتاب موردبررسی قرارگرفته است.

پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر پژوهش‌هایی در حوزه نخستین چاپخانه‌ها و نخستین کتاب‌های چاپ سنگی ایران در دوره قاجار صورت پذیرفته است که ازجمله آن‌ها می‌توان به حسین میرزای گلپایگانی در *تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران*، نیل گرین[1] در *سنگ‌هایی از ناحیه باواریا: چاپ سنگی ایران در بستری جهانی*[2] و نیز دو پژوهش اولریش مارزلف[3] با عناوین *نخستین کتاب‌های چاپی ایرانیان: تعریف و تخمین*[4] و *تاریخ اولیه چاپ در ایران*[5] اشاره داشت که عموماً تأکید پژوهش‌های مذکور بر روند ایجاد نخستین چاپخانه‌های سنگی در تبریز و تهران و کتاب‌های انتشاریافته در آن متمرکز است. در این بین، صرفاً المپیادا پاولونا شچگلوا در *تاریخ چاپ سنگی در ایران* به ارائه گزارش‌هایی بسیارمحدود و گاه ناقص در زمینه چاپخانه‌های سنگی دیگر شهرهای و کتاب‌های آن پرداخته است. همچنین در تک پژوهشی، مجید غلامی‌جلیسه *تاریخ چاپ سنگی اصفهان* را موردبررسی قرار داده است. از این منظر تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه نخستین چاپخانه مشهد و نخستین کتاب تولیدی آن از سوی پژوهشگران صورت نپذیرفته است.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات بر اساس بررسی آرشیوی است، چنانکه بیش از بیست مرکز نگهداری کتاب‌های چاپ سنگی در سرتاسر ایران مورد واکاوی قرار گرفته است. همچنین در نگارش، روش توصیفی-تحلیلی در کانون توجه قرار داشته است. پژوهش حاضر مبنی بر اطلاعات موجود تا زمان نگارش است و به دلیل پویایی اطلاعات و امکان دسترسی به کتاب‌هایی که تاکنون مورد شناسایی قرارگرفته نشده است و اغلب در آرشیوهای شخصی نگهداری می‌شود، امکانِ ارائه مطالب نوین در نقاط مغفولِ حوزه موردبررسی در تحقیقات آینده وجود دارد.

ورود چاپ سنگی به ایران

چاپ به‌عنوان یکی از روش‌های مرسومِ انتشار کتاب در مغرب‌زمین از قرن پانزدهم میلادی آغاز و در ایران عملاً از قرن هجدهم مورد استفاده قرار گرفت. باوجود اینکه در ایران برای ایجاد چاپخانه در عصر صفوی از سوی مسیحیان کارملیت و ارمنیان و در دوره افشاریه و زندیه از سوی مسیونرهای مذهبی تلاش‌هایی صورت پذیرفت (اصلانیان، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۶؛ مولانا، ۱۳۵۸: ۳۰-۲۹)، اما درنهایت دوره قاجار مبدل

1 . Nile Green

2. Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts

3 . Ulrich Marzolph

4. Persian Incunabula: A Definition and Assessment

5. Early Printing History in Iran

به بستری برای ورود و رواجِ صنعت چاپ شد. ازجمله معدود رجال درباری که در اندیشه اخذ علوم و فنون غربی در راستای بهره‌مندی از آن برای پیشرفت ایران بود، می‌توان به عباس‌میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۴۹-۱۲۰۳ق) اشاره کرد. یکی از حوزه‌ها موردنظر او، توجه به انتشار کتاب بود (لعل‌شاطری، ۱۳۹۷: ۴۷). از این‌رو، شخصی به نام زین‌العابدین تبریزی را مأمور فراگیری فن چاپ و تأسیس نخستین چاپخانه در تبریز کرد. متعاقباً اولین چاپخانه از کشور روسیه وارد ایران شد (بابازاده، ۱۳۷۸: ۱۳) و نخستین کتاب، با عنوان رساله جهادیه به‌کوشش میرزا بزرگ قائم‌مقام در ۱۲۳۳ق منتشر شد (قائم‌مقام‌فراهانی، ۱۲۳۳: ۱). پس از آن زین‌العابدین به‌عنوان یگانه فعال در این حوزه با حمایت عباس میرزا[1] فعالیت خود را ادامه داد (مفتون‌دنبلی، ۱۲۴۱: ۳۰۶؛ واعظ‌قزوینی، ۱۲۴۱: ۲۰۶)، اما دوران فعالیت مرحله اول چاپ سربی بیش از دو دهه در ایران دوام نداشت. چاپ سنگی بنا به دلایلی همچون سهولتِ کار و افزایش سرعت، کاهش هزینه‌ها و امکان بهره‌گیری از ویژگی‌های زیبایی‌شناختی[2] -که جذابیتی ممتاز نسبت به چاپ سربی را برای مخاطبان ایجاد می‌کرد- مورد استقبال قرار گرفت. علاوه بر این، چاپ سربی در تبریز و تهران به دلیل هزینه بالای انتشار، صرفاً به‌واسطه حمایت چهره‌های بانفوذ که به ارزش کتاب و چاپ آن آگاهی داشتند استمرار نسبی یافت و عملاً با مرگ حامیان اصلی این‌گونه از چاپ (عباس‌میرزا در ۱۲۴۹ق، فتحعلی‌شاه در ۱۲۵۰ق، میرزا زین‌العابدین در ۱۲۶۰ق و معتمدالدوله[3] در ۱۲۶۳ق) چاپخانه‌های سربی حامیانِ مالی و فنی خود را از دست دادند (Marzolph, 2007: 215؛ شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۶) و پس از آن چاپ سنگی جایگزین آن شد.

واژه چاپ سنگی (لیتوگرافی) از لغت یونانی Graph به معنی نوشتن و Litho به معنی سنگ گرفته شده است که به‌وسیله یوهان آلوئیس زِنِفِلدِر[4] (۱۸۳۴-۱۷۷۱م) بازیگر و نمایشنامه‌نویس آلمانی اختراع شد. او مبنی بر دانش زمین‌شناسی، برای چاپِ خود از تخته‌سنگ‌های آهکی استفاده کرد که حاصل تجزیه شیمیایی آن، آهک و اسیدکربنیک بود. زنفلدر برای اولین‌بار نام این‌روش را چاپ سنگی یا چاپ شیمیایی نهاد و پس از چندین سال با رفع معایب، سرانجام در ۱۸۰۰م (۱۲۱۵ق) چاپ سنگی را در دفتر اختراعات لندن به ثبت رساند و پس از آن این‌گونه از چاپ به‌سرعت در اکثر کشورهای جهان رایج شد (سلیمی، ۱۳۸۸: ۵؛ غلامی‌جلیسه، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۵). برخلاف چاپ سربی، آغاز چاپ سنگی در ایران بافاصله زمانی اندکی از ابداع آن و نیز بهره‌گیری سایر کشورها همچون روسیه، امریکا، استرالیا، کلکته و مکزیک بود (Green, 2010a: 307). در ایران نخستین کوشش‌ها از سوی عباس میرزا صورت پذیرفت و گواه آن ارسال یک نقاش به نام اللەوردی به تفلیس بود تا در آنجا فنون چاپ سنگی را فراگیرد (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۷). همچنین میرزا جعفر در ۱۲۴۰ق به دستور عباس میرزا به مسکو اعزام شد تا دانشِ این چاپ را کسب نماید. متعاقباً چند سال بعد، میرزا صالح شیرازی، میرزا اسدالله را به مسکو اعزام کرد و او در بازگشت تجهیزات و ابزار لازم برای چاپ سنگی را تهیه و با خود به تبریز آورد (Marzolph, 2002: 256).

اولین چاپخانه‌ای که می‌توان با اطمینان درباره آن اعلام نظر کرد، در حدود ۱۲۴۸ق به کوشش میرزا صالح شیرازی در تبریز تأسیس شد. دستگاه این چاپخانه از روسیه خریداری و به ایران منتقل (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۸) و در ۱۲۴۹ق نخستین کتاب (قرآن) به‌وسیله آن انتشار یافت (قرآن، ۱۲۴۹: ۲۳۷-۲۳۶). گویا به دلیل ناآشنایی نسبی و عدم تسلط صنعتگران به شیوهٔ چاپ سنگی، تولید دومین کتاب با چند سال تأخیر همراه بود و سرانجام کتاب زادالمعاد در ذی‌الحجه ۱۲۵۱ق

---

۱. پس از چند سال فعالیت در ۱۲۴۰ق فتحعلی‌شاه او را به تهران دعوت کرد (مجلسی، 1241: ۱۰۷۸؛ مجلسی، ۱۲۴۴: ۳۵۸).

۲. در چاپ سنگی برخلاف چاپ سربی که امکان بهره‌گیری از ویژگی‌های بصری در آن محدود بود، چاپچی‌ها قادر به بهره‌گیری از عناصر بصری همچون تصویرسازی در ادامه سنت کتاب‌آرایی نسخ خطی بودند (Shcheglova, 1999: 12).

۳. منوچهر خان گرجی (معتمدالدوله) ازجمله فعالان فرهنگی و حامی میرزا زین‌العابدین بود (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۱۵/۱).

4. Johan Alois Senefelder

منتشر شد (مجلسی، ۱۲۵۱: ۶۳۳). پس از آن روند استقرار چاپخانه‌های سنگی در ایران تداوم یافت، چنانکه به‌احتمال فراوان در ۱۲۶۰ق یک چاپخانه سنگی در اصفهان، در ۱۲۶۶ق چهار الی پنج چاپخانه در تهران و در ۱۲۷۱ق پانزده چاپخانه در تبریز مشغول به فعالیت بودند (Floor, 1990: 4/762-763). هرچند نخستین چاپخانه‌های سنگی با حمایت دولت آغاز به فعالیت کردند، اما این جریان دوام نیافت و پس از آن چاپخانه‌های خصوصی مبنی بر سرمایه‌گذاری فردی، اقدام به چاپ کتاب را آغاز و آثار موردنیاز جامعه را منتشر و در اختیار متقاضیان قرار دادند. این چاپخانه‌ها بیشتر در حوزه مذهبی همچون قرآن، تجوید، فقه، ادعیه و غیره، در ادبیات مذهبی با محوریت زندگانی ائمه‌اطهار(ع) همچون دیوان‌های مرثیه و ادبیات کلاسیک همچون داستان‌ها و افسانه‌ها به تولید و نشر آثار مشغول بودند (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۵۲).

چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی

هرچند چاپ سنگی با ورود به ایران در دو کانون اصلی تبریز و تهران آغاز به کار کرد، اما پس از چند دهه، در شیراز، اصفهان، مشهد، انزلی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان، گروس و کاشان، چاپخانه‌هایی تأسیس شد (براون، بی‌تا: ۱۲۸/۲). در دوران فعالیت چاپ سنگی در ایران، چاپخانه‌های متعددی در مشهد فعال بودند، اما اطلاعات موجود دربارۀ آنان بسیار اندک است. نخستین گزارش موجود از سوی مشار در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی ارائه شده است. او در ذیل دیوان حافظ به چاپ نسخه‌ای از این اثر در ۱۲۶۷ق به شیوه چاپ سنگی در مشهد گزارش می‌دهد (مشار، ۱۳۵۱: ۲۲۸۷/۲). هرچند این اشارۀ مختصر تنها اطلاع موجود از نقطه آغازین فعالیت چاپ سنگی در مشهد است، اما نمی‌توان به آن اطمینان داشت، زیرا کتاب مذکور تاکنون یافت نشده است و از سویی پس از این تاریخ به مدت دو دهه هیچ‌گونه گزارشی از چاپ کتاب در مشهد وجود ندارد[1]. مبنی بر شواهد مستندِ در دسترس، نخستین چاپخانه مشهد در مجاورت حرم امام رضا(ع) و زیر نظر آستان قدس رضوی تأسیس شد. اطلاعات درزمینۀ مکان‌یابی چاپخانه سنگی آستان قدس محدود است. طبق طومار عضدالملک (۱۲۷۳ق)، آستان قدس رضوی دارای یک باب ضرابخانه بود که در درب شرقی صحن مقدس جدید (متصل به ضلع شرقی صحن مزبور) قرار داشت (عضدالملک، ۱۳۷۹: ۴۷). به گزارش فهرست پیش‌نویس موقوفات آستان قدس رضوی، در ۱۳۵۳ش «در این ضرابخانه سکه یک‌قرانی و دوقرانی ضربِ مشهدِ مقدس را تهیه می‌نموده‌اند. این ضرابخانه متصل ضلع شرقی صحن جدید در پشت آب‌انبار همین صحن واقع بوده است. پس از این‌که برای سکۀ قِران، دولتِ ایران ضرابخانه را در ایران قرار می‌دهد و ماشین‌های ضرب سکه را خریداری می‌نماید، این ضرابخانه تعطیل می‌گردد و در محل مذکور یک مطبعه چاپ سنگی دایر می‌نمایند و بعضی‌اوقات زیارت‌نامه و کُتب ادعیه در مطبعه سنگی مذکور چاپ می‌شده است. اکنون محل ضرابخانه و مطبعه وجود خارجی ندارد و جزو دکاکین بازار کلاهدوزان[2] موقوفه آستان قدس قرار گرفته است» (مولوی، ۱۳۵۳: ۲۵۷/۳-۲۵۶).

با توجه به زمان تعطیلی ضرابخانه مشهد می‌توان تاریخ تغیر کاربری این محل و تبدیل آن به چاپخانه را تخمین زد. به‌احتمال فراوان از ۱۲۹۱ق ضرابخانه آستانه تعطیل و طی چند سال زمینه لازم همچون فراهم‌آوری ابزار موردنیاز برای چاپ سنگی و افراد آشنا با این‌گونه از چاپ به‌وسیله علاقمندان و مسئولین حوزه تولیدات فرهنگی مشهد به‌صورت عام و آستان قدس رضوی به‌صورت خاص، در کانون توجه قرار گرفت و سرانجام در ۱۲۹۴ق مقارن با تولیت مؤتمن‌الملک، نخستین کتاب با عنوان منتخب‌القصاید اثر راقم‌مشهدی در این چاپخانه منتشر شد (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۸۹). آنچه مشهود است، حمایت تولیت وقت یکی از موضوعات حائز اهمیت در ایجاد نخستین چاپخانه سنگی مشهد بود. میرزا سعید خان انصاری (۱۳۰۱ق-۱۲۳۱ق) که از ۱۲۶۴ق

---

۱. در مشهد برخلاف تهران و تبریز -که چاپ با شیوه سربی آغاز و شامل دو دوره بود- انتشار کتاب با چاپخانه‌های سنگی آغاز و چاپ سربی مقارن با آغاز دور دوم آن و بیشتر برای تولید روزنامه در مشهد رواج یافت.

۲. بازار کلاهدوزان در حدفاصل صحن نو و بست پایین خیابان واقع بود.

به‌واسطه خط نیکو و دانش در زمینه ادبیات عرب و فارسی، به‌عنوان منشی امیرکبیر مشغول به فعالیت بود در ۱۲۶۸ق به سرپرستی وزارت امورخارجه مأمور و به مؤتمن‌الملک ملقب شد. او در ۱۲۹۰ق از سوی ناصرالدین‌شاه به تولیت آستان قدس رضوی منصوب و تا ۱۲۹۷ق عهده‌دار این مسئولیت بود. مؤتمن‌الملک در دوران تولیت علاوه بر فعالیت‌هایی عمرانی و بازسازی، در زمینه فرهنگی به تکمیل کتابخانه حرم مطهر و نیز تهیه اولین فهرست کتاب‌ها موجود در آن پرداخت (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳: ۲۰-۱۸؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۹۶۸/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۶۶۵/۲، ۳۰۴-۳۰۳؛ ساکماق، ۲۲۹۶۴: ۴-۱؛ ۴۰۷۵۹: ۴؛ ۴۱۹۰۱: ۱۵-۵؛ ۴۱۹۱۴: ۸-۴). با توجه به سبقه فرهنگی مؤتمن‌الملک[۱]، تمایل به تأسیس چاپخانه‌ای در آستان قدس رضوی، موضوعی موردعلاقه او بود. از این‌رو، می‌توان یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی مؤتمن‌الملک در دوران تولیتش را حمایت و فراهم‌سازی ابزار فنی برای تأسیس و سپس چاپ کتاب در چاپخانه سنگی آستان دانست، چنانکه در ترقیمه نخستین کتاب انتشاریافتهٔ در این چاپخانه (منتخب‌القصاید) چنین اشاره شده است: «برحسب امر مطاع جناب مستطاب جلالت‌مآب اجل امجد اکرم مؤتمن‌الملک متولی‌باشی دام الله اقباله العالی [...] سمت انطباع پذیرفت» (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۸۹).

در طی دوران حیات چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی هرچند متولیانی به حمایت از آن پرداختند، اما درمجموع نگرش مثبت و حمایت جدی نسبت به چاپخانه وجود نداشت. در سندی مربوط به ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۲ق میرزا آقا طهرانی (استاد و چاپچی)، به شکایت از شخصی به نام حسین به دیلمی (رئیس‌کل محاسبات آستان قدس رضوی) پرداخته است که علاوه بر حکم تخلیه، به وسایل موجود آسیب رسانده و موجب تعطیلی چاپخانه شده است، اما فردی از مقامات آستان قدس رضوی پاسخگوی او نبود (ساکماق، ۱۰۵۳۲۳: ۱). مقارن با برخوردارهای سلبی نسبت به این چاپخانه، با آغاز حکمرانی رضاشاه، از سویی به‌واسطه توجه به چاپ سربی و رفع نیازهای روزمره و متعاقباً روند رو به افول چاپخانه‌های سنگی در عرصه کشور، پایان حیات چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی نزدیک شد. آخرین گزارشی که از این چاپخانه در دست است، نامهٔ درخواستی از سوی وزارت جنگ، اداره لشکر شرق (به شماره ۸۳۰) به تاریخ ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ق/ ۲۸ مهر ۱۳۰۵مبنی بر همکاری این چاپخانه در تهیه مدل تیراندازی است: «تولیت محترم آستان قدس رضوی. چند فقره مدل تیراندازی برای قسمت‌های مختلفه ضروریست [...] نظر به اینکه طبع آن با چاپ سربی غیرممکن و جز آستان قدس رضوی سنگ چاپ در مشهد وجود ندارد، خواهشمند است حکم‌فرمایید در طبع آن اقدام سریع نمایند. البته آنچه مخارج داشته باشد بر عهده لشکر است» (ساکماق، ۶۳۷۹۸: ۲). در حدود یک هفته بعد محمدولی اسدی، نایب‌التولیه، در پاسخ به اداره لشکر شرق در خصوص عدم امکانِ ساخت مدل تیراندازی در چاپخانه سنگی آستانه -که صرفاً نسخه دست‌نویس آن موجود است- چنین پاسخ داد: «در جواب مراسله ۸۳۰. مطبعه‌ای آستان مقدسه دایر داشته و بعضی زیارت‌نامه‌ها و ادعیه و غیره گاهی چاپ می‌شده و دو سال قبل شخص مباشر و عامل آن[۲] مرحوم شده و آن مطبعه متروک‌شده. اگر کسی را که عامل و با ربط از این کار باشد آن اداره محترمه دارند ممکن است اعزام فرمایند تا لوازم چاپخانه را معاینه نماید کسری و نقص دارد یا صحیح است. چنانچه عامل را معرفی فرموده و اعزام نمایید مانعی نخواهد داشت» (ساکماق، ۶۳۷۹۸: ۳).

بااین‌حال، بر اساس جدیدترین یافته‌های آرشیوی، پس از آغاز به‌کار چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی (۱۲۹۴ق) طی پنج دهه (تا ۱۳۴۴ق) کتاب‌های متعددی با درون‌مایه‌های گوناگون مذهبی، ادبی، فقهی و تاریخی با همکاری مؤلفان

---

۱. مؤتمن‌الملک دارای سبقه فعالیت‌های فرهنگی بود، چنانکه ازجمله آثارش «سه جلد قانون ناصری است که در کتابخانه دولتی می‌باشد و کتاب گلستان شیخ سعدی را عربی نموده بود» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۴۳/۱). همچنین کتابچه نحوهٔ عمل فرخ‌خان امین‌الدوله با دولت‌های اروپایی را به خط شکسته کتابت کرد، به‌نحوی‌که در پایان آن، خط رمز و مهر مؤتمن‌الملک مشهود است (امین‌الدوله، ۱۳۵۸: ۱۱). متعاقباً در دوران تولیتش «تربیت و تشویق اهلِ کمال نمود و کار آستانه را رواج داد» (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ۲۷۴).

۲. به‌احتمال فراوان میرزا آقا طهرانی.

و مترجمان با استادان چاپ و حامیان مالی تولید شد که تاکنون بیست‌وهشت عنوان از آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است؛ موضوعی که تاکنون همواره با خلاء اطلاعاتی مواجه و اندک اطلاعاتِ ارائه‌شده نسبت با آن فاقد استناددهی صحیح و رویکرد پژوهشی است که متعاقباً نتیجه آن، بیان مطالبی غیرعلمی و بازتکرار آن در سایر پژوهش‌ها بوده است[۱].

مؤلف، کاتب و کوششگر نخستین کتاب چاپی مشهد

علی بن محمدحسن مشهدی خراسانی متخلص به راقم، مشهور به راقم‌مشهدی و ملقب به امین‌الشعرا (راقم‌مشهدی، ۱۳۰۲: ۳۲۶؛ تفرشی، ۱۳۱۴: ۴۷۰؛ زنجانی، ۱۳۱۲: ۲۸۴)، برادر کوچک اَختَر طوسی بود[۲]. از دوران زندگانی او اطلاعات گسترده‌ای در دست نیست. گویا در میانسالی در صحن جدید دارای مکتبخانه‌ای بود که در آن به آموزش فرزندان اعیان مشهد می‌پرداخت. راقم از خط زیبایی برخوردار و کتیبه‌های متعددی در صحن‌ها و مساجد مشهد به‌وسیله او کتابت شده است. چنین به نظر می‌رسد که شغل او خوشنویسی بود، چنانکه کتیبه‌ای بر فراز خانه او با عنوان «حجرهٔ راقم مشهدی»، قرار داشت (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۲۴۹). در توصیف راقم چنین آمده است: «او ریشی دراز و دوشاخ داشته، سیگار زیاد می‌کشیده، زن داشته ولی فرزندی نداشت. روزهای پنجشنبه همه هفته بعضی از شعرا به مکتبخانه وی رفته انجمن ادبی تشکیل می‌دادند و شعر می‌خواندند و می‌گفتند از اکابر آن روز مؤتمن‌السلطنه[۳]، ممدوح راقم بوده است و نیز گفته‌اند راقم فرانسه هم می‌دانسته» (همان). راقم‌مشهدی در طی دوران حیات در مشهد اقامت و صرفاً سفرهایی زیارتی و کوتاه‌مدت به شهرهای مذهبی همچون نجف داشت (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۵۸). او به‌واسطه اشعار سراسر ستایش‌آمیز در مدح امامان شیعی و یا رجال سیاسی-نظامی به «راقم مداح» معروف بود (طهرانی، بی‌تا: ۳۵۱/۹).

اطلاعات مکتوب و گسترده‌ای در زمینه فعالیت او در دست نیست، اما بر اساس آثاری که او در حوزه نسخ خطی و چاپ سنگی سروده و یا کتابت کرده است، می‌توان از ویژگی‌های و دوره فعالیت هنری راقم‌مشهدی آگاهی یافت. ازجمله آثار موجود راقم در زمینه تولید نسخ خطی عبارت است از: ۱. حکایات منظوم، مجموعه اشعاری به زبان فارسی با درون‌مایه پند و اندرز (راقم‌مشهدی، بی‌تا: ۱۱۲، ۱). ۲. گنجینه المعانی، دربردارنده مجموعه سخنانی حضرت علی(ع) به همراه معنای آن در قالب چند بیت (راقم‌مشهدی، ۱۲۸۴: ۸۰، ۱). ۳. نصاب‌الشعراء، رساله‌ای منظوم به زبان فارسی در عروض، شامل مقدمه‌ای منثور در دوازده فصل و دربردارنده قطعات منظوم در معرفی بحور (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۶: ۱۵۴، ۱). ۴. زیارات، مشتمل بر متن زیارت‌نامه‌های ائمه‌اطهار(ع) و روزهای خاص به زبان عربی (راقم‌مشهدی، ۱۳۰۲: ۳۲۸، ۱). ۵. دیوان راقم طوسی، مجموعه اشعاری به زبان فارسی از راقم در مدح ائمه‌اطهار(ع) و رجال کشوری و لشکری) (راقم‌مشهدی، ۱۳۱۰: ۲۵۰، ۱). ۶. دیوان راقم طوسی، مجموعه اشعاری به زبان فارسی از راقم‌مشهدی در مدح پیامبران الهی و توصیه‌های عرفانی و اخلاقی (راقم‌مشهدی، ۱۳۱۴: ۴۲، ۱). ۷. دیوان راقم طوسی، مجموعه اشعاری به زبان فارسی از راقم‌مشهدی در مدح ائمه اطهار(ع) و نیز اشعاری عاشقانه (راقم‌مشهدی، ۱۳۲۱: ۵۸۰، ۱). ۸. تراپوتیک و دواسازی، تألیف ابوالحسن تفرشی و به خط راقم‌مشهدی، دربردارنده مجموعه توصیه‌های پزشک و نیز شرح اثر و نتیجه هر یک از داروها به زبان فارسی (تفرشی، ۱۳۱۴: ۱٦، ۱).

۱. نگارنده در طرحی مستقل با عنوان «چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی (۱۳٤٤-۱۲۹٤ق) (حیات چاپ سنگی مشهد)» کلیه کتاب‌های منتشرشده از سوی چاپخانه سنگی آستان قدس رضوی را از منظر ظاهری و محتوا، فعالان (مؤلفان، مترجمان، اساتید چاپ، کاتبان، مصححان، نقاشان و غیره) و حامیان دارای تعامل با چاپخانه و نیز عوامل انفعالی و محرک در زمینه تولید آثار را موردبررسی قرار داده است. همچنین جهت ارائه اطلاعات موثق و علمی، سایر چاپخانه‌های سنگی مشهد و کتاب‌های تولیدی آنان نیز مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است.

۲. ملا عباسعلی (اَختر) (متوفی ۱۳۳۳ق) از شعرای معروف زمان خود بود و درنهایت فقر و تنگدستی می‌زیست. هرچند اختر و راقم در یک حرفه (شاعری) مشغول بودند، اما حسن‌تفاهم و محبت برادری میان آنان برقرار نبود (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۵۷-٥٦).

۳. میرزا مصطفی خان (مؤتمن‌الدوله)، پسر مؤتمن‌الملک، متولی آستان قدس رضوی.

علاوه بر مشارکت در تولید نسخ خطی، راقم‌مشهدی به‌عنوان یکی از کاتبان همکار با چاپخانه‌های سنگی مشهد، به‌ویژه آستان قدس رضوی شناخته می‌شود. ازجمله آثاری که او در تولید آن مشارکت داشت، عبارت‌اند از: ۱. رساله مسئله، اثر مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۲۸۱-۱۲۱٤ق)، دربردارنده نظرات و مسائل مختلف فقهی و شرعی این عالم، با گردآوری محمدعلی یزدی و به اهتمام حاج میرزا غلامرضا فیروزه‌تراش فرزند میرزا محمدعلی کاخکی‌الاصل مشهدی‌المسکن، انتشار در چاپخانه آستان قدس رضوی زیر نظر میرزا رفیع تبریزی (استاد چاپ) (انصاری، ۱۲۹۵: ۲۰۰، ۲). ۲. نجاه العاصین، اثر ذوالفقار مشهدی‌بخارایی داری هفتاد هشت مجلس و با رویکرد وعظ و خطابه مبنی بر احکام متفرقه اسلامی با حمایت مالی محمدجواد کتابفروش مشهدی، انتشار در چاپخانه آستان قدس رضوی زیر نظر مشهدی محمدرضا طهرانی (استاد چاپ) (مشهدی‌بخارایی، ۱۳۱۰: ٥٦۲، ۱). ۳. نورالمنابر، اثر میرزا عبدالله الزنجانی با محتوایی دربردارنده واقعه کربلا بر اساس روایات صحیح و فارغ از تحریف، بر حسب خواهش حاجی محمدحسن صراف معاون‌التجار در راستای وقف عام، انتشار در چاپخانه شیخ محمد طهرانی (زنجانی، ۱۳۱۲: ۲۸٤).

آنچه مشهود است، راقم‌مشهدی در دو حوزه فعالیت داشته است. نخست به‌عنوان خوشنویس و دیگر به‌عنوان شاعر. بااین‌حال، توجه به شعر اولویت او بود. در این زمینه راقم به تألیف آثاری اقدام کرد که گاه نمایشی از توانایی ممتازی او در عرصه علمی ادبیات منظوم بود و نصاب‌الشعراء گواهی بر این ادعا است (راقم‌مشهدی، ۱۲۹٦: ۳٦). به‌احتمال فراوان، او در عرصه ادبیات منظوم توجه ویژه‌ای به میرزا سعدالدین محمد (متوفی ۱۱۰۰ق) داشت، چنانکه تخلص خود را نیز به تقلید از او راقم نهاد. میرزا سعدالدین محمد، فرزند خواجه غیاث‌الدین، یکی از تجار فعال در شهرهای هند بود. پس از مدتی سعدالدین نیز در هند حضور یافت و به اسلام‌خان مشهدی شاهجانی پیوست، اما پس از مدتی به اصفهان بازگشت و شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ق) او را نخست والی هرات و سپس به حکومت خراسان منصوب کرد. او علاوه بر حمایت از شاعران، از طبع شعری ممتازی برخوردار بود و در اشعارش راقم تخلص می‌کرد. از او چند هزار بیت (بیشتر غزلیات و برخی قصاید و قطعات و رباعیات) به یادگار مانده است (طهرانی، بی‌تا: ۳۵۱/۹). این اشعار از چنان جایگاهی برخوردار بود که تا دوره قاجار به‌ویژه در مکتبخانه‌های مشهد (همچون مکتب‌خانه اطفال ایتام سادات موقوفه محراب خانی) در کنار آثار شاعران برجسته‌ای همچون سعدی و حافظ به‌عنوان بخشی از دروس آموزشی مورد استفاده قرار داشت (ساکماق، ۱۸۹۲۰: ۸؛ ۱۸۹۲۲: ۲). بر این اساس می‌توان انتخاب تخلص راقم را از سوی خراسانی تا حد گسترده‌ای متأثر از شاعری نام‌آشنا برای اهل مشهد دانست که تا دوره قاجار نام و امور عام‌المنفعه[1] او برجای بود و متعاقباً در اذهان تداعی‌گر شخصیتی ممتاز در حوزه ادبیات منظوم محسوب می‌شد.

هرچند اطلاعاتی در زمینه توانایی‌های هنری راقم‌مشهدی در منابع ذکر نشده است، اما این شاعر گاه در میان اشعار خود به آن اشاره داشته است:

[...] با وجودِ بی‌مشوق بودن و بی‌مکنتی
نُه قلم را کرده خود تحصیل با رنج و تَعَب
ثُلث و تَعلیق و شِکسته، نَسخ و رِیحان و رِقاع
نسخ‌تعلیق و دو خط از کوفیَش شد مُنتَخَب
نیز گوید شعر را چون شاعرانِ باشعور
زآنکه روشن‌تر بُوَد طَبعَش زِ مرآتِ حَلَب[2]
می‌شناسد بَحر از هر یکی در جای خود
می بداند چیست اوزانِ سریع و مُقتَضَب[3]
استعارت و کنایاتِ سخن را بی‌سخن[4]
می‌دهد تشخیص از روی حقیقت، نی لَعَب[5]

۱. تا اواخر دوره قاجار، در مجاورت صحن جدید مدرسه‌ای به نام «پایین پا» یا «سعدالدین» (به نام بانی مدرسه) وجود داشت، اما به‌مرور زمان فرسوده و ویران شد و در احداث فلکه اطراف حرم در دوره پهلوی، این بین از بین رفت (ناشناس، ۱۳۵٦: ٦۳).

۲. آیینه شهرِ حلب.
۳. شعری که بداهه گفته شود.
٤. بی‌شک و شبهه.
٥. کنایه از عدم تسلط و بی‌دقتی.

گه قصاید می‌سراید، گه رباعی، گه غزل
گاه قطعه از بُحورِ اصلی و گاه از شُعَب [...]

(راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۲۴-۲۳)

یکی از عرصه‌های فعالیت راقم‌مشهدی، به‌عنوان شاعری پویا در مشهد، حضور در مجموعه آستان قدس رضوی و ارائه اشعار مدحی بود، زیرا حضور شاعران مشهدی در مراسم گوناگون به‌ویژه مناسبت‌های مذهبی در حرم مطهر از موضوعاتی مطرح در این دوره است (ساکماق، ۴۰۷۱۰: ۱). شاعرانی که مقارن با فعالیت راقم مشهدی در این مراسم حضور داشتند[۱]، معمولاً افرادی ثابت بودند. ازجمله این افراد می‌توان به کیوان شاعر، خاوری شاعر، حاجی حسن شاعر، سید علی شاعر، محمد طاهر شاعر، مسکین شاعر، سید محسن شاعر، درویش بهار شاعر، سیاح شاعر، عارف شاعر، امین‌الذاکرین شاعر، سعیدی شاعر، درویش ستار شاعر، میرزا بهمن شاعر، میرزا کاظم شاعر، میرزا اسدالله شاعر، میرزا سید محمد شاعر، محمدصادق‌بیگ شاعر، میرزا محمدحسین شاعر، میرزا صفا شاعر، میرزا بدیع شاعر، میرزا عبدالله رشتی شاعر، ملا رضا شاعر، ملا احمد شاعر، ملا غلامحسین شاعر و ملا صادق شاعر، اشاره کرد (ساکماق، ۴۱۹۲۵: ۱؛ ۴۱۹۲۲: ۳؛ ۴۰۸۹۷: ۹؛ ۴۰۸۷۶: ۶؛ ۲۰۹۳۱: ۲؛ ۲۰۳۴۷: ۵).

بااین‌حال، موضوع مطرح و به‌احتمال فراوان موردنظر راقم مشهدی را می‌توان دستیابی به منصب ملک‌الشعرایی آستان قدس رضوی دانست. هرچند ملک‌الشعرایی سنتی کهن در ایران بود، اما با هجوم افغان‌ها و سپس حکمرانی افشاریه و زندیه، این منصب متروک شد، اما در دوره قاجار، به‌واسطه علایق هنری فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق) مقدمات آن فراهم و عنوان ملک‌الشعرا مجدد رسمیت یافت. در این بین، ویژگی‌های موردنیاز برای کسب منصب ملک‌الشعرایی عبارت بود از تبحر در صنایع شعری، تسلط در سرایش انواع شعر به‌ویژه قصیده، توانایی در ارائه اشعار فاخر و غیرتقلیدی، احاطه بر علوم ادبی و نیز برخورداری از دانش سیاسی. در این راستا، گاهی نفوذ و اهمیت ملک‌الشعرا به حدی بود که امرا و ارکان دولت نیز صلاحِ خود را در متابعت از آن‌ها می‌دانستند. از این‌رو، منصب ملک‌الشعرایی[۲] غالباً موردحسادت دیگر شاعران و برای احراز آن پیوسته در تلاش بودند (مرزآبادی، ۱۳۵۱: ۳۴-۲۸، ۲۴، ۲۱). در این بین، شاخه‌ای از ملک‌الشعرایی جنبه دینی داشت که به‌عنوان نمونه شاخص می‌توان به ملک‌الشعرایی در آستان قدس رضوی اشاره کرد (قاسم‌نژاد، ۱۳۷۶: ۱۲۷۱/۲-۱۲۷۰؛ عشقی، ۱۳۹۶: ۳۲). هرچند بر اساس اندک منابع موجود شاید بتوان نخستین ملک‌الشعرای آستانه را مینای تربتی[۳] دانست که در «مدیحه‌سرایی سلام ایالتی و مجالس رسمیه اعیاد آستان قدس ملایک دربان را در عهدهٔ قریحه داشت» (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ۱۹۶)، اما بر اساس گزارش‌های متواتر، نخستین ملک‌الشعرای رسمی آستان قدس رضوی، مقارن با دوران فعالیت راقم‌مشهدی، حاج میرزا محمدکاظم صبوری‌خراسانی (۱۳۲۲-۱۲۵۹ق) بود (جلیلیان‌مصلحی، ۱۳۸۹: ۲۳؛ غفورزاده، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۲). مؤتمن‌السلطنه در «روز صیام هزار و دویست و هشتاد و چهار، وی را به قصیده‌سرایی سلام ملک‌زادهٔ آزاد جلال‌الدوله اختصاص داد و در طبقهٔ شعرای خاص امتیاز نهاد [... و پس از مدتی] جناب میرزا صبوری را به‌موجب رقم قضا شیم به لقب رئیس‌الشعرا مفتخر فرمود [... و در ۱۲۹٤ق] به منصب و لقب ملک‌الشعرایی آستان عرش‌بنیان مفتخر و مبارک و مباهی گردید» (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۱۹۵). در این بین، مجلس «سلام دربار ولایتمدار رضوی» یکی از مهم‌ترین مراسمی بود که امکان حضور شاعران مشهدی زیر نظر ملک‌الشعرا را فراهم می‌کرد. این مجلس از اواسط دوره

---

۱. همچنین مقارن با دوران فعالیت راقم‌مشهدی، شاعران برجسته‌ای همچون میرزا عبدالعلی مینا، میرزا عبدالمجید خرم، میرزا علیقلی مصور، شهاب قاینی، میرزا صادق سرخوش و زیوری در خراسان حضور داشتند (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ۳۱).

۲. برخی دیگر از مراتب شاعری عبارت بود از: شمس‌الشعرا، ختم‌الشعرا، تاج‌الشعرا، استادالشعرا، افتخارالشعرا، سیدالشعرا، مجتهدالشعرا، فخرالشعرا و غیره. در این بین ملک‌الشعرا یا امیرالشعرا مراتب بسیار بالاتری را نسبت به دیگران داشتند (عشقی، ۱۳۹۶: ۳۲).

۳. مینا تربتی (متوفی ۱۲۸٤ق) ملقب به امین‌الشعرا، گویا از حدود ۱۲۵۰ق در مجموعه آستان قدس رضوی حضور و فعالیت داشت. مجموعه‌ای از قصاید او در حدود شش هزار بیت در منقبت ائمه اطهار(ع) و گاه متولیان و بزرگانی که در تعمیرات حرم مطهر بانی خیر بودند، سروده شده است (فرخ، ۱۳٤۰: ٥٤).

قاجار، همه‌ساله در اعیاد مذهبی تشکیل می‌شد (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۳۱۳). ترتیب آن چنین بود که با دعوت قبلی و کتبی ادارهٔ تشریفات آستان قدس رضوی، عده‌ای از روحانیون و همچنین استاندار وقت و روسای ادارات دولتی و افسران ارشد لشکر و اعضاء عالی‌رتبه آستانه و جمعی از معاریف و محترمان شهر و نایب‌التولیه در تالار تشریفات آستانه حضور می‌یافتند. پس از تلاوت آیاتی از قرآن و ادای احترام به تمثال منسوب به امام رضا(ع) و نواخته شدن نقاره‌خانه و بیان خطبه آغازین، ملک‌الشعراء و گاهی چند شاعر دیگر، اشعار و مدایحی به مناسبت آن روز می‌خواندند (همان: ۳۱۴-۳۲۱). به‌عنوان نمونه می‌توان به حضور راقم در مراسم عید غدیر خم و بیان قصیده‌ای در مدح میرزا مصطفی خان نایب‌التولیه اشاره کرد:

[...] تا همی گویند کاَندَر عیدِ مسعودِ غدیر
گاه قطعه از بُحورِ اصلی و گاه از شُعَب [...]
تو نشسته بر سَریرِ سَروری با فَرِّ بَخت
من سِتاده در حضورت از دل و جان مدح‌خوان

(راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۳۰)

هرچند آگهی گسترده‌ای از نحوه حضور شاعران در این مجالس در دست نیست، اما چنین به نظر می‌رسد که یکی از شاعران ارشد به‌عنوان مشاور در نزد ملک‌الشعرا عهده‌دار هماهنگی‌های لازم بود. به‌عنوان نمونه راقم به این نقش خطاب به حضرت رضا(ع) چنین اشاره می‌کند:

[...] بین چو راقم پی ترویج مدحت سال و ماه
می‌کند از شاعران اندر خراسان انجمن
در اِزای اینکه تشویقش کنند از هر طرف
می‌کنند ایذاش[۱] خَصمان با هزاران مَکر و فَن
من سلیمان چاکرا رَحمی به این مورِ ضعیف
کاوفتاده زیرِ پای ظلمِ چندین اَهرَمَن
گرچه می‌دانم لطفت گر نبودی شامِلَم
استخوانم تاکنون پوسیده بود در مَرزَغَن[۲]
لیکن استداعایم آن باشد در این آستان
این همایون انجمن دایر بود بر نامِ من
پس به هر عیدی زِ اعیاد آرَمت اندر حضور
شاعرانِ انجمن را با درازی سخن
تا نثار حضرتت سازند آن دُرهای نَغز
نیز بِزدایند از دل‌های اَحبابَت شَجَن[۳] [...]

(راقم‌مشهدی، ۱۳۲۱: ۷۰-۶۹)

آنچه مشهود است، راقم به‌عنوان یکی از شاعران پویا، خواهانِ حضور رسمی در مجموعه آستانه بود، اما از قدرت رقابت با ملک‌الشعرای وقت برخوردار نبود (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۶۱-۱۶۰). تلاش‌های او برای کسب جایگاه ملک‌الشعرایی پس از صبوری[۴] و یا ورود به حلقه فعالان رسمی آستانه را شاید بتوان رفع دغدغه‌های مالی دانست، چراکه با توجه به توانایی ممتاز هنری، از زندگانی مطلوب برخوردار نبود. از این‌رو، راقم در بسیاری از اشعارش علاوه بر طلب عافیت، نیازهای روزمره و رفع معیشت را از ائمه‌اطهار(ع) خواستار (همان: ۱۳۳، ۶۵، ۵۹، ۲۰) و مستمر از متمکنین، علما، مجتهدان، متولیان، والیان و حکمرانان خراسان و سایر ولایات و گاه رجال لشکری و کشوری (همان: ۱۶۷، ۱۶۴، ۱۶۰، ۱۳۴، ۹۰، ۷۶، ۷۱، ۶۹، ۵۲، ۳۹، ۳۵، ۲۴) درخواست‌هایی مبنی بر ایجاد زمینه برای رفع قرض‌های مالی و ایجاد حداقل‌های زندگانی را داشته است.

منتخب‌القصاید

مبنی بر بررسی‌های آرشیوی گستردهٔ صورت پذیرفته تاکنون از سوی نگارنده، نخستین کتاب چاپی شناسایی‌شده در مشهد را می‌توان منتخب‌القصاید دانست. این اثر در چاپخانه آستان قدس رضوی (نخستین چاپخانه مشهد) به‌عنوان نخستین اثر تولیدی این چاپخانه در ۱۲۹۴ق منتشر شد. منتخب‌القصاید دربردارنده مجموعه اشعاری است که به‌وسیله راقم‌مشهدی در سال‌های گوناگون سروده و با کتابت او به‌صورت چاپ سنگی منتشر شد. تلاش راقم را می‌توان تا حد گسترده‌ای در ادامه اهداف بلندمدت، به‌ویژه

۱. آزار و اذیت.
۲. قبرستان.
۳. حزن و اندوه.

۴. پس از فوت صبوری، طبق فرمان مظفرالدین شاه منصب و لقب ملک‌الشعرایی آستان قدس رضوی به فرزند او، میرزا محمدتقی، اعطا شد (مجتهدزاده، ۱۳۴۵: ۲۷-۲۶).

دستیابی به مقام ملک‌الشعرایی و متعاقباً بهره‌مندی از امتیازات آن دانست[۱]، زیرا در این هنگام «باآنکه شاعر همیشه در قلب و روح مردم ایران مقام و منزلتی داشته و دارند و شاعرانی که شغل و مقامی نداشته و پیشهٔ خود را شاعری و مداحی قرار داده و از ممر ستایشگری معاش می‌کرده‌اند، کمتر در زندگی مرفه و محترم بوده‌اند و چون شعر متاعی بوده که در بازار تملق‌خواهان و چاپلوسی‌طلبان و ارباب جاه و ثروت خریدوفروش می‌شده است، مردم شعر را تخطئه نموده خاصه از نیمه سلطنت ناصری تا اواخر دوره قاجاریه اغلب مردم شاعری را متکدی و شعر را کلامی پست و بی‌معنی می‌خوانده‌اند تا مشروطیتی شد و مطبوعات ملی زیاد شدند و بر معرفت عمومی نسبت به مقام شعر و شاعر افزود» (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۵۸-۵۷).

از این‌رو، تلاش راقم برای چاپ مجموعه‌ای از اشعار خود با بهره‌گیری از تکنیک چاپ سنگی که امکان تکثیر بسیار بیشتر از نسخ خطی را به همراه داشت و متعاقباً طیف مخاطبان گسترده‌ای را شامل و عملاً بر اشتهار او می‌افزود، در کانون توجه او قرار داشت. راقم در حاشیه صفحات پایانی چنین آورده است: «معروض خدمت صاحبان معظم و سروران مکرم می‌دارد، حقیرِ فقیر سراپا تقصیر، علی بن محمدحسن المشهدی الخراسانی المتخلص بالراقم به جهت یادگاری در این دارِ فانی چیزی نداشتم باقی گذارم و به فرمودهٔ مولانا افصح‌الشعرا و المتکلمین شیخ سعدی که فرموده است غرض نقشیست کز ما بازماند، با خود همیشه در خیال بودم و گاهی رطب و یابس به یکدیگر می‌بافتم تا در این اَوانِ خجسته‌نشان چاپخانهٔ مبارکه آستانهٔ مقدسه حضرت رضویه علیه آلاف الثناء و التحیه مفتوح شد. وقت را مغتنم شمرده به قدر قوه و استطاعت از اشعار پریشان خود انتخاب و جمع‌آوری نموده به سعی و اهتمام اَخوی گِرام آقا محمد اسمعیل تاجر هروی ابن خیر الحاج حاجی آقا کوچک به خط ناقابل خود نوشته و به چاپ درآوردم. امید که صاحبان کمال چشم از عیوبِ این اوراق پوشیده، حقیر را به دعای خیر یاد نمایند، چراکه فی‌الحقیقه این رطب و یابس‌ها قابل‌نوشتن نبود، ولی چه کند بی‌نوا همین دارد. والسلام» (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: ۱۸۹-۱۸۸). منتخب‌القصاید تنها یکبار به سال ۱۲۹۴ق در «کارخانه چاپ آستانهٔ مقدسهٔ حضرت رضویه» با حمایت مالی محمد اسمعیل تاجر هروی و با مشارکت و نظارت میرزا رفیع (استاد چاپ) منتشر شد. اطلاعات دقیقی از تیراژ و محل توزیع این اثر در دست نیست، اما می‌توان بر اساس قراین، تعداد چاپ آن را مشابه سایر کتاب‌های چاپ سنگی منتشرشده بین ۵۰۰ الی ۷۵۰ نسخه[۲] و محل توزیع آن را نخست در کتابفروشی‌های ثابت و سیار مشهد و سپس فروش آن در سایر شهرها از سوی حامی مالی دانست.

ویژگی‌های ظاهری

با ایجاد نخستین چاپخانه‌های سنگی در ایران و سپس در سایر شهرها، بهره‌گیری از اصول تولید کتاب و کتاب‌آرایی کهن ایرانی (نسخ خطی)، از موضوعات موردتوجه اساتید چاپ بود. هرچند در تولید نسخ، هنرمندان در خلق ویژگی‌های ظاهری ممتاز از آزادی عملی بیشتری برخوردار بودند، اما در چاپ سنگی به‌واسطه ظرفیت محدود چاپ، صرفاً کلیه ویژگی‌های خلق‌شده به‌واسطه کتابت، ترسیم نقوش و یا تصویرسازی با مرکب سیاه بر روی کاغذ انتقال و سپس چاپ به‌وسیله دستگاه چاپ ممکن بود. بااین‌حال، بسیاری از ویژگی‌های نسخ خطی در کتاب‌های چاپ سنگی ادامه حیات یافت، چنانکه در اکثر کتاب‌ها، بهره‌گیری از تکنیک‌های صحافی، جلدسازی جهت سیمای خارجی اثر و ترنج، نیم ترنج، شمسه، سرلوحه، کتیبه، جدول، کمند، طرح‌های اسلیمی، ختایی و غیره جهت سیمای درونی اثر قابل‌مشاهده است، چنانکه این ویژگی‌ها با ضریب‌تأثیر متفاوت در منتخب‌القصاید نیز بروز یافت.

۱. ازجمله امتیازات مالی ملک‌الشعرا، دریافت مبلغ چهل و چهار تومان نقد و مقدار بیست خروار جنس در ازای مواجب و دریافت هدایایی ممتاز در مراسم مختلف بود (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ۲۰۱، ۱۷۳-۱۷۲). همچنین وظیفه تقسیم عیدی سال‌نو و خلعت‌های ارسالی برای شعرای مشهد از طرف فرمانفرمایان خراسان را عهده‌دار بود (صبوری، ۱۳۴۲: مقدمه: ف).

۲. بنا به‌رسم، چاپچیان و ناشران به تعداد مجلد انتشاریافته اشاره‌ای نمی‌کردند، اما به‌طور میانگین در هر نوبت بین ۵۰۰ تا ۷۵۰ جلد از یک کتاب به چاپ می‌رسید (غلامی‌جلیسه، ۱۳۸۹: ۹۸).

تجلید و صحافی: مبنی بر سنت رایج در تولید کتاب‌های چاپ سنگی، به‌احتمال فراوان کتاب‌های انتشاریافته در چاپخانه فاقد جلد به فروش می‌رسید و خریداران بر اساس سلیقهٔ شخصی و تمکن مالی[1]، به تهیه جلد می‌پرداختند. به‌عبارت‌دیگر، جلد کتاب جداگانه و به‌صورت اختیاری پس از تولید و چاپ عرضه و قابل انتخاب بود (Green, 2010b: 489). بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد کارگاه‌هایی تولید جلد در دو گونه چرمی (با هزینه نسبتاً بیشتر) و مقوایی (با هزینه کمتر) را عهده‌دار بودند. جلدِ به‌کاررفته در نسخه‌های موجود از منتخب‌القصاید عموماً تیماج (چرم از پوست بز) و فاقد تزیینات بیرونی و درونی است. ازآنجایی‌که این اثر نخستین کتاب تولیدی در چاپخانه آستان قدس رضوی بود، می‌توان این نظر را بیان داشت که بانی مالی و معنوی برای نمایش اثر خود به‌گونه‌ای ممتاز و نسبتاً نفیس، در تقابل با سنت تولید نسخ خطی غالب بر فضای مشهد، به سفارش تجلید نسبتاً ارزشمند آن نیز اقدام کرده باشند. در زمینه صحافی این اثر اطلاعاتی در دست نیست، اما بر اساس مشاهدات مستقیم دریافت می‌شود که در رعایت مراحل صحافی همچون ترکیب‌بندی (قرارگیری و ثابت‌سازی منظم و منسجم صفحات کنار یکدیگر)، شکل‌بندی (اصلاحات احتمالی موردنیاز در ترکیب‌بندی و نیز شیرازه‌بندی، دوخت و جزوبندی نهایی) اهتمام خاصی رعایت شده است. ازآنجایی‌که منتخب‌القصاید در چاپخانه‌ای به‌عنوان زیرمجموعه آستان قدس رضوی آغاز به فعالیت داشت، این احتمال مطرح می‌شود که جلدسازان و صحافان همکار با دیگر مجموعه‌های آستان قدس رضوی در تولید این اثر نیز مشارکت داشته‌اند[2].

قطع، کاغذ، خط: ابعاد کتاب ۲۱×cm۱۷ و ابعاد نوشتار ۱۵×cm۹ است که می‌توان قطع آن را وزیری دانست؛ قطعی رایج و موردتوجه نسبی مخاطبانِ کتاب‌های چاپ سنگی در سرتاسر ایران. قطع وزیری به لحاظ رعایت تناسبات (بزرگ‌تر از رقعی و کوچک‌تر از رحلی)، مطلوبِ کتاب‌های عامیانه به‌ویژه در حوزه ادبیات بود و گویا انتخاب این قطع برای منتخب‌القصاید، از سویی به‌واسطه درون‌مایه اثر و از سوی دیگر استقبال نسبی مخاطبان بود. جنس کاغذ از نوع فرنگی (وارداتی از خارج ایران، به‌احتمال فراوان روسیه) و به رنگ نخودی است. کاغذ مورد استفاده از بافت نسبتاً مناسبی برخوردار و ثبات رنگ در آن مشهود است. راقم‌مشهدی به‌عنوان کاتب این اثر بهره‌گیری از خط نستعلیق متوسط برای متن (هر صفحه ۱۵ سطر) و نستعلیق خفی را برای معانی لغات در هامش اوراق و استفاده از خط ثلث را برای عنوان اشعار موردتوجه قرار داده است تا از سویی بر زیبایی بصری کتاب و نیز تفکیک بخش‌های مختلف با استفاده از تغییر نوع و اندازه خط پرداخته باشد. بااین‌حال، در بخش‌هایی از کتابت، ویژگی‌های صحیح بهره‌گیری از خط نستعلیق رعایت نشده است که این جریان را می‌توان از سویی به‌واسطه ماهیت نسبتاً خاص مرکب مورد استفاده در چاپ سنگی[3] و از سویی دیگر تعجیل برای انتشار اثر دانست.

صفحه مشخصات، آغاز، انجام: در نخستین صفحه، پیش از آغاز متن کتاب، به بیان اطلاعاتی از نشر کتاب پرداخته شده است (تصویر ۱). این اطلاعات در داخل ترنجی در وسط صفحه قرار دارد: «ناصرالدین‌شاه. در عهد دولت و زمان سلطنت السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالنصر قاجار خَلَّدَ الله مُلکه و دولته در کارخانهٔ چاپ آستانهٔ مقدسهٔ حضرت رضویه علیه الآف الثناء

۱. در دوره قاجار به غیر از جلدهای چرمیِ ساده و فارغ از هرگونه تزیینات هنری و جلدهای مقواییِ چندرنگی، جلدهای لچک‌ترنج و جلدهای لاکیِ برخوردار از نقاشی، تقریباً منحصر به نسخه‌های خطی ارزشمند و نفیس بود (پوپ، ۱۳۸۷: ۵/۲۲۹۰).

۲. به‌عنوان نمونه از مجلدان و صحافان معروف مشهد می‌توان به ملاحسین صحاف‌باشی اشاره کرد که در جلد ضربی، متن و حاشیه، رنگ‌آمیزی کاغذ، ابری‌سازی، مقواسازی و افشان‌گری استاد بود. او در اواخر قرن سیزدهم هجری صحاف‌باشی کتابخانه آستان قدس رضوی شد. فرزندان او نیز در تجلید و صحافی وارث هنرهای پدر بودند. پسرش میرزا نصرالله (متوفی ۱۳۳٤ق) نیز صحاف‌باشی آستان قدس رضوی بود (رستمی، ۱۳۹۲: ۳۲)

۳. مرکب مورد استفاده در چاپ سنگی، از مواد مختلفی تشکیل و اساس آن بر چربی استوار و از غلظتی بیش از مرکب مورد استفاده نسخ خطی برخوردار بود. متعاقباً مهم‌ترین عاملِ مشکل‌ساز برای کاتب، چربی بیش از حد و غلظتِ آن بود، چنانکه گاه در کتاب‌های چاپ سنگی عباراتی دیده می‌شود که کاتبان از مشکلات ناشی از عدم آشنایی با کیفیت مرکب ابراز تأسف کرده‌اند (Marzolph, 2001: 16).

و والتحیّه سمت انطباع پذیرفت. سنه ۱۲۹۴» (راقم‌مشهدی، ۱۲۹۴: صفحه مشخصات). همچنین برای زیبایی بصری، دو ترنج کوچک (سرترنج) در بالا پایین ترنج اصلی قرار دارد و در داخل آن‌ها کلمه «هوالله» و «راقم»، مشاهده می‌شود. صفحه آغازین درون سرلوحه‌ای مملو از نقوش قرار دارد که تا حد زیادی متأثر از نسخه‌های خطی و شاید در راستای رقابت با صفحات آغازین نسخه‌های خطی خلق شده است (تصویر ۳، ۲). بر پیشانی سرلوح، عنوان کتاب و مؤلف آن (هذا کتاب منتخب‌القصاید من کلام راقم) ذکر و در کتیبه سرلوح عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم قرار دارد و سپس دیباچه آغاز اثر (همان: ۱). در صفحه پایانی (انجامه، ترقیمه)، مؤلف به‌عنوان کاتب اثر، به بیان توضیحاتی تکمیلی در حاشیه صفحه پرداخته است (تصویر ۴) که دربردارنده اطلاعات نسبتاً مختصر (عنوان اثر، محل نشر، ناشر، بانی، استاد چاپ و سال نشر) بر اساس الگوی مرسوم در کتاب‌های چاپ سنگی است: «الحمدالله رب‌العالمین والصلوه والسلام علی محمد(ص) قَد تمّت الکتابِ الموسومهٔ بِمُنتَخَبُ القَصاید مِن کَلامِ اَقَل العِباد علی المُتخَلّص بِالراقِم در کارخانه چاپ آستانهٔ مقدسهٔ حضرت رضویه علیه آلاف والثناء والتحیه که برحسب امر مطاع جناب مستطاب جلالت‌مآب اَجَل اَمجَد اکرَم مؤتمن‌الملک متولی‌باشی ادام‌الله اقباله العالی مفتوح شده است به خانه مرحوم حاجی حسین مشهور به خالو[1] در ارض اقدس به سعی و اهتمام اوستادی عالیجاه میرزا رفیع سمت انطباع پذیرفت. فیه سنهٔ ۱۲۹۴» (همان: ۱۸۹).

آرایش متن: نخستین ویژگی منحصربه‌فرد بصری در منتخب‌القصاید، ترسیم سرلوحه‌ای ممتاز و انحصاری است، چنانکه در سایر کتاب‌های چاپ سنگی پیشین مواردی مشابه آن اندک بود. هرچند رقم (امضاء) پدیدآور آن مشخص نیست، این احتمال وجود دارد که راقم، آن را طراحی و یا از هنرمندان حوزه تذهیب و تشعیرِ نسخ خطی، استفاده شده باشد. در بالای سرلوحه (تارک و تاج) نقش شیر و خورشید درون شمسه‌ای قرار دارد که تأکیدی بر نمایش وابستگی و پیروی از قدرت حاکمه است. در میانه سرلوح، داخل ترنج، عنوان اثر و نام مؤلف کتاب قرار دارد و در بخش کتیبه، عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم قابل‌مشاهده است. فرم ظاهری سرلوح به‌مانند سنت سرلوح‌سازی، نمایشی از گنبد و گلدسته است، به این معنا که نقش‌ها از جوانب به سمت بالا و در وسط به‌صورت نیم‌دایره (گنبد) ترسیم شده است. در حاشیه صفحه آغاز و صفحه بعد، به تقلید از نسخ خطی دوره صفویه به بعد، با استفاده از تشعیر به زیباسازی فضای خالی پرداخته شده است و الگوی مورد استفاده برای این جریان، نقش واق[2] است که طی آن در صفحه نخست دو چهره دیو به‌صورت تمام‌رخ در سمت راست و پایین و در صفحه مقابل، چهره تمام‌رخ انسان در بالا و دو دیو به‌صورت تمام‌رخ در چپ و پایین صفحه قابل‌مشاهده است. این نقش که در صفحه آغازین و به‌ویژه محاط کننده اطراف سرلوحه است را می‌توان الگویی انحصاری دانست، زیرا کمتر کتاب چاپ سنگی پیش از منتخب‌القصاید آن را موردتوجه قرار داده است (تصویر ۳، ۲).

صفحات داخلی کتاب، به تقلید از نسخ خطی شامل دو قسمت متن و حاشیه است که به‌وسیله جدول‌بندی و نیز تغییر در اندازه قلم از یکدیگر متمایز شده‌اند. جدول‌بندی مورد استفاده در حاشیه دوخطی بافاصله بسیار اندک و در بخش میانی به‌صورت تفکیک ستونی (راست و چپ) و در قالب‌های ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و مسمط، تفکیک دو بیت و یک مصراع یا چند بیت و دو مصراع موردنظر قرار گرفته است. بااین‌حال، اشتباهات جدول‌بندی را می‌توان در صفحاتی مشاهده کرد که گویا به‌واسطه عجله برای چاپ اثر بوده است. به‌عنوان نمونه در بخش مسمطی در مدح علی

۱. از این فرد اطلاعاتی در دست نیست و صرفاً در دو سند به‌عنوان حامل گندم از مشهد به قوچان و فردی کالسکه‌چی، یاد شده است (ساکماق، ۲۰۴۷۷۷: ۵-٤؛ ۲۰۴۹۱۳: ۱).

۲. نقش واق را می‌توان اصل ششم هنر نگارگری و کتاب‌آرایی ایران دانست. این نقش ترکیبی از عناصر گیاهی و شاخ و برگ‌های گل‌ها و صورتک‌های انسانی و حیوانی است و بیشتر در حواشی نسخه‌ها، روی جلدها، حواشی نگاره‌های تک‌برگی و غیره از آن استفاده می‌شد. منشا پیدایی آن ریشه در افسانه‌های کهن دارد که واق را عموماً درختی معرفی کرده‌اند که ثمر و بار آن به‌صورت انسان و سایر حیوانات حقیقی و خیالی همچون دیو و اژدها است. در ایران، از دوره سلجوقیان آثار هنری دربردارنده نقوش واق در هنرهای گوناگون همچون فلزکاری، قالی‌بافی، کاشی‌کاری، نگارگری و غیره، قابل‌مشاهده است (آژند، ۱۳۸۸: ۸، ۵؛ پوپ، ۱۳۸۷، ۲/ ۱۰۸۷؛ سودآور، ۱۳۸۰: ۲۲)

بن ابیطالب[ع] (راقم‌مشهدی، ۱۲۹٤: ۱۵۲-۱٤۹) فارغ از توجه صحیح به نحوه ذکر اشعار (چهار مصرع هم‌قافیه و یک تک‌بیت مستقل در زیر آن)، اشعار در جدول‌بندی دو ستونه و پشت سر هم قرار گرفته است. بخشی دیگر از جدول‌بندی، اختصاص به کتیبه‌هایی ساده و فاقد نقوش تزیینی دارد که دربردارنده عنوان هر شعر با خطی متفاوت از متن، در کادری مستطیل گنجانده شده است. در حاشیه اغلب صفحات (صرفاً در کنار، بالا و پایین خالی) با اندازه قلمی کوچک‌تر از متن و به‌صورت ساده، توضیحاتی در زمینه کلمات درون‌متن داده شده است (معانی لغات در هامش اوراق). این جریان را می‌توان امری هدفمند از سوی راقم برای سهولت مطالعه و نیز رغبت اقشار گوناگون با سطح دانش متفاوت (افزایش دامنه مخاطبان) دانست. در بیرون از جدول، به دو صورت ترتیب صفحات مشخص شده است. نخست بالا در وسط صفحه با شماره‌گذاری و دیگر پایین در سمت چپ صفحه با کتابت کلمه آغازین صفحه بعد (راده). آخرین جز موجود در آرایش صفحات، کَمَند (خطی نازک) است. این کَمَند شامل خطوطی بافاصله ثابت و معین از جدول است که در سه طرف (بالا، پایین و مقابل عطف) قرار دارد و محصورکننده حاشیه، جدول و متن است.

ویژگی‌های محتوایی

اشعار موجود در منتخب‌القصاید، غالباً شامل قصاید مدحی است، اما در این بین گاه از قالب‌هایی همچون ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و مسمط نیز وجود دارد. به‌احتمال فراوان، این اشعار حاصل یک دهه (۱۲۹٤ق-۱۲۸٤ق) از عمر هنری راقم‌مشهدی بود. هرچند تاریخ دقیق کلیه اشعارِ مذکور در این اثر مشخص نیست، اما در مواردی به‌صورت ماده‌تاریخ به این موضوع اشاره شده است. ازجمله در ورود مولانا مرحوم میرزا نصرالله تاج‌الشعرا متخلص به شهاب اصفهانی و همچنین در شرح احوالات اهل خراسان فی سَنَه مَجاعَه و توسل به امام عصر[عج] به سال ۱۲۸۷ق (همان: ٤۸، ۳۷) ، در مراجعت امام‌جمعه سلم‌الله تعالی از مکه معظمه به خراسان و همچنین جشن دامادی میرزا یوسف بن میرزا تقی لشکرنویس به سال ۱۲۸۹ق (همان: ۹٤، ۹۲) ، در بدیه‌ای که در جشن ورود مولانا صبوری، ملک‌الشعرای آستانه و همچنین در مدح امامزادهٔ امجد سلطان محمد که در ارض اقدس مدفون است و نیز در تهنیتِ ورودِ موکبِ مسعودِ نَواب اَشرف والا حسام‌السلطنه به سال ۱۲۹۲ق (همان: ۱۳۵، ۱۲٦، ٦۷)، در عیدِ اَضحی جهت شفا بخشیدن حضرت رضا[ع] شخصِ کوری و همچنین در تاریخِ ورودِ شجاع‌الشعرا میرزا رونَق و شعاع‌الشعرا میرزا مَهوَش به سال ۱۲۹۳ق (همان: ۹٦، ۹۱) اشاره شده است. چنین به نظر می‌رسد که غالب این اشعار، مدایح راقم برای ارائه در مراسم حرم مطهر بوده است، زیرا اشعاری که در اعیاد مذهبی به‌عنوان بخشی از مراسم سلام رضوی خوانده می‌شد از ویژگی خاصی برخوردار بود، چنانکه «قالب همان بود که اشعار رسمی و درباری قدیم داشتند و اغلب قصیده و گاهی مسمط و به‌ندرت ترکیب‌بند یا ترجیع‌بند. ازلحاظ مضمون این فرق را داشت که بعد از تغزل یا نَسیب[1] و تَشبیب[2]، ذکری از مَحامِد و مناقب ائمه‌اطهار[ع] در آن بود و گاهی گریزی به مدح نایب‌التولیه وقت» (بینش، ۱۳٤۷: ۱۰۰). این اشعار فارغ از نظم محتوایی، درون‌مایه و دسته‌بندی موضوعی، از سوی راقم برای چاپ کتابت شده است.

عناوین مذکور در منتخب‌القصاید عبارت‌اند از: دیباچه‌ای دربردارنده حمد خداوند و بیان جایگاه ائمه‌اطهار[ع] در خلق آفرینش و هستی (راقم‌مشهدی، ۱۲۹٤: ٦-۱)، بهاریه‌ای که در مدح حضرت امام ثامن[ع] عرض شد (همان: ۹-٦)، عید قربان در مدح حضرت رضا[ع] عرض شد (همان: ۱۲-۱۰)، در میلاد حضرت خَتمی‌مآب[ص] و خاتمه به اسمِ مرحوم نظام‌الدوله[3] عرض شد (همان: ۱۵-۱۲)، در میلاد حضرت

۱. ابیات آغازین قصیده به‌ویژه ابیاتی که مشتمل بر احوالات عاشقانه است.

۲. ابیات آغازین قصیده به‌ویژه ابیاتی که مشتمل بر عشق، جوانی، یا وصف طبیعت است.

۳. حاج حسین‌خان شاهسون (متوفی ۱۲۹۲ق) در ۱۲۸۳ق با منصب امیرتومانی به ریاست قشون و سرداری (فرماندهی لشکر) خراسان منصوب شد. در این سال به جنگ با ترکمن‌ها پرداخت و از تجاوز آنان به خراسان جلوگیری کرد. در ۱۲۸۹ق به حکومت خراسان

خاتم‌الانبیاء(ص) به حضور بندگان‌عالی جناب مؤتمن‌الملک متولی‌باشی عرض شد (همان: ۱۸-۱۵)، بهاریه‌ای که در منقبتِ اَسدالله الغالب علی بن ابیطالب(ع) عرض شد (همان: ۲۲-۱۷)، در عید سعید سلطانی، وزیرِ بی‌نظیر مستشارالملک[1] را سپاس عرض شد (همان: ۲۴-۲۲)، در مدح حضرت امامزاده صالح که در تجریش مدفون است عرض شد (همان: ۲۶-۲۴)، در عید ماه صیام، وزیر والامقام میرزا محمود گرکانی[2] را ثنا عرض شد (همان: ۲۸-۲۵)، در مدح پیامبر(ص) مولانا شیخ سعدی را استقبال کرده است تَیمناً و تَبرکاً (همان: ۲۹-۲۸)، در منقبت امیرمؤمنان و مولای متقیان علی ابن ابیطالب(ع) و اشاره به مصیبت کربلا عرض شد (همان: ۳۲-۲۹)، در مدح امیرِ عرب و گریزی به مصائب شاه تشنه‌لب عرض شد (همان: ۳۳-۳۲)، در تهنیتِ ورودِ موکبِ وزیرِ بی‌نظیر میرزا محمود عرض شد (همان: ۳۵-۳۴)، در ورود مولانا مرحوم میرزا نصرالله تاج‌الشعرا متخلص به شهاب اصفهانی[3] عرض شد (همان: ۳۷-۳۵)، در تهنیتِ عید غدیر و ستایش شجاع‌الدوله امیر حسین‌خان خبوشانی[4] عرض شد (همان: ۳۹-۳۷)، در مدحِ حیدرِ صَفدَر، امیرِ اَژدَر دَر، ساقی کوثر عرض شد (همان: ٤٤-٤٠)، در شرحِ احوالاتِ اهلِ خراسان فی سَنه مَجاعَه[5] و توسل به امام عصر(عج) عرض شد (همان: ٤٨-٤٤)، حسب‌الخواهشِ دوستی از دوستان، بدیه‌ای عرض شد (همان: ٥٠-٤٨)، در مدحِ فَخرالسادات و المجتهدین حاجی میرزا ذبیح‌الله و حاجی میرزا محمدرضا[6] وَلدِ ایشان عرض شد (همان: ٥٢-٥٠)، در میلادِ حضرتِ خاتمِ اَنبیاء، محمد مصطفی(ص) عرض شد (همان: ٥٥-٥٢)، کیفیتِ عیدِ سعیدِ غدیر را موافقِ احادیثِ معتبر عرض شد (همان: ٥٩-٥٥)، به مناسبت فصل بهار و ایام محرم در حضور مهر ظهور جنابِ عالی مؤتمن‌الملک عرض شد (همان: ٦٢-٥٩)، بهاریه‌ای لَف و نَشر که در منقبتِ حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) عرض شد (همان: ٦٥-٦٢)، بدیه‌ای که در جشنِ ورودِ مولانا صبوری، ملک‌الشعرای آستانه عرش عرض شد (همان: ٦٧-٦٥)، در شهر سمنان به خدمتِ بندگانِ عظیمت‌مدار حسین‌خان اِعتضادالملک[7] عرض شد (همان: ٦٩-٦٧)، در عیدِ سعیدِ امامِ ثامنِ ضامن علی بن موسی‌الرضا(ع) عرض شد (همان: ٧٢-٦٩)، در بیان شکت دادنِ امیر حسین‌خانِ شجاع‌الدوله، ترکمان را عرض شد (همان: ٧٤-٧٢)، در عید غدیر به حضورِ مَعدِلَت دستورِ مستشارالملک عرض شد (همان: ٧٦-٧٤)، در عید قربان جنابِ مستشارالملک را تهنیت عرض شد (همان: ٧٨-٧٦)،

منصوب و ملقب به نظام‌الدوله شد و تا هنگام مرگ حکمران خراسان بود (بامداد، ۱۳۵۷: ۱/۳۹٤-۳۹۳).

۱. میرزا محمدرضا مستوفی سبزواری (متوفی ۱۳۰۸ق) در ابتدا ملقب به مستشارالتولیه و در ۱۲۸٤ق به مستشارالملک و در ۱۳۰۰ق، ملقب به مؤتمن‌السلطنه شد. در ۱۲۷۳ق استیفاء و سررشته‌داری کل مالیات خراسان به او محول شد و در ۱۲۷٦ق به ریاست دفتر خراسان منصوب شد. در ۱۲۸٦ق که حمزه میرزا حشمت‌الدوله حکمران خراسان شد، مستشارالملک به وزارت و پیشکاری (معاونت) او منصوب شد (بامداد، ۱۳۵۷: ۳/٤٠٦-٤٠٤؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵٥-۲٥٤؛ ساکماق، ۱٥٠٦٨: ۳؛ ۲۱۲٤۳: ٥؛ ۲٥٥٨٦: ۳؛ ٤۱۱۲۸: ۱).

۲. میرزا محمود مستوفی گرکانی (متوفی ۱۳۱۱ق) معروف به وزیر، در ۱۲۸۸ق که سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه به ایالت خراسان منصوب شد، او پست وزارت (پیشکار دارایی) را دریافت کرد و در اواخر ۱۲۸۹ق با حسام‌السلطنه از خراسان بازگشت و در ۱۲۹۱ق به مدت هفت سال به وزارت تهران (پیشکاری دارایی و معاونت حکومت تهران) منصوب شد (بامداد، ۱۳۵۷: ٤/٤۳-٤۲).

۳. میرزا نصرالله در ۱۲٥٤ق به دربار محمدشاه قاجار راه یافت. در اندک زمانی موردتوجه حاجی میرزا آقاسی قرار گرفت و ملقب به تاج‌الشعرا شد. با آغاز حکومت ناصرالدین‌شاه (۱۲٦٤ق)، مجدد به تهران آمد و به درخواست امیرکبیر قطعاتی ممتاز در یادبود واقعه کربلا سرود. همچنین اشعاری در مدح شاه و میرزا آقاخان نوری از او به‌جامانده است (دیوان‌بیگی، ۱۳٦٤: ۲/۸۹۰-۸۸۹؛ هدایت، ۱۳٤٠: ۲/٤۷٦).

٤. امیر حسین‌خان ایلخانی زعفرانلو قوچانی (متوفی ۱۳٠٦ق)، ملقب به شجاع‌الدوله، حاکم قوچان و شیروان در دوره قاجار. او از روحیه جنگاوری و اقتدار ممتازی برخوردار بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳٥۷: ۲٥٦؛ سدیدالسلطنه مینابی، ۱۳٦۲: ۲۳۲).

٥. اشاره به قحطی و خشکسالی ۱۲۸۸-۱۲۸۷ق (اوکازاکی، ۱۳٦٥: ٤٠-۳۲).

٦. به‌احتمال فراوان دو تن از فعالان در مجموعه آستانه با اسامی میرزا ذبیح‌الله مجتهد و میرزا محمدرضا بن ذبیح‌الله حسینی رضوی (ساکماق، ۲٠۳۱۷: ۱؛ ۲٠٥۲٤۳: ٥؛ ٤۳٥۱٠: ۱؛ ٤۱۳٥٤: ٤؛ ٤٠٩٦۳: ۲؛ ۲۱۷۸۳: ۱؛ ۱۷٥۱۷: ۸؛ ۱٥٦٦٤: ۱؛ ۱٥۸٦۷: ۳؛ ۱٥۷٠۱: ۱٠، ٥).

۷. حسین‌خان اعتضادالملک، پسر میرزا محمدخان قاجار سپهسالار و داماد ناصرالدین‌شاه در ۱۲۸۲ق به ریاست توپخانه منصوب شد. در ۱۲۸۷ق حاکم سمنان و دامغان و ملقب به اعتضادالملک شد (بامداد، ۱۳٥۷: ٦/٨٥-٨٤؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۱: ۱/٤۲۸، ۳۱۱).

در کیفیتِ فتحِ قاریقَلعه[۱] که مرحوم سَهام‌الدوله حیدر قلی‌خان[۲] مَفتوح کرد، عرض شد (همان: ۸۵-۷۸)، در ورودِ موکبِ مسعودِ امام‌جمعه[۳] و آقای معصوم‌الائمه به اَرضِ اَقدس عرض شد (همان: ۸۹-۸۵)، در مراجعتِ امام‌جمعه سَلَم‌الله تَعالی از مکه معظمه به خراسان عرض شد (همان: ۹۱-۸۹)، در عیدِ اَضحی جهتِ شفا بخشیدنِ حضرت رضا(ع) شخصِ کوری را عرض شد (همان: ۹۲-۹۱)، در جشن دامادی میرزا یوسف بن میرزا تقی لشکرنویس[۴] عرض شد (همان: ۹۴-۹۲)، در تاریخِ ورودِ شجاع‌الشعرا میرزا رونَق و شعاع‌الشعرا میرزا مَهوَش[۵] عرض شد (همان: ۹۶-۹۴)، در منقبتِ مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابیطالب(ع) عرض شد (همان: ۱۰۰-۹۶)، در تهنیتِ خَلعتِ مرحوم نظام‌الدوله حاجی حسین‌خان عرض شد (همان: ۱۰۲-۱۰۰)، در مدح مرحوم ملا عبدالرحمن شیخ‌الاسلام[۶] عرض شد (همان: ۱۰۵-۱۰۲)، در عید سلطانی، مرحوم سپهسالار[۷] را تهنیت عرض شد (همان: ۱۰۷-۱۰۵)، در مدح میرزا مهدی مهندس‌باشی عرض شد (همان: ۱۱۰-۱۰۸)، قصیده‌ای فَریده از اَفکار اَبکار نورچشمی امر میرزا اَختر[۸] نوشته شد (همان: ۱۱۲-۱۱۰)، به جهتِ مَفتوح شدنِ راه کربلای معلی و توسل به حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) عرض شد (همان: ۱۱۵-۱۱۲)، در مدحِ شهسوارِ مِضمارِ لافَتی و تاجدارِ هَل اَتی عرض شد (همان: ۱۱۹-۱۱۵)، در مدحِ امامِ ثامن علی بن موسی‌الرضا(ع) عرض شد (همان: ۱۲۴-۱۱۹)، در مدحِ امامزادهٔ اَمجَد سلطان محمد[۹] که در اَرضِ اَقدس مدفون است، عرض شد (همان: ۱۲۶-۱۲۴)، در مدحِ امیرالمؤمنین امام المتقین علی(ع) در شبِ عیدِ مولودِ حضرت عرض شد (همان: ۱۲۸-۱۲۶)، در عید غدیر خم جنابِ جلالت‌مآب میرزا مصطفی خانِ نایب‌التولیه[۱۰] را ستایشی عرض شد (همان: ۱۳۰-۱۲۸)، در مدحِ وَلیِّ ایزدِ داور، وَصیِّ پیغمبر، ساقی کوثر عرض شد (همان: ۱۳۳-۱۳۱)، در تهنیتِ ورودِ موکبِ مسعودِ نَواب اَشرَف والا حسام‌السلطنه[۱۱] عرض شد (همان: ۱۳۵-۱۳۳)، در مدحِ جنابِ حجه‌الاسلام حاجی میرزا

۱. منطقه‌ای که در اختیار ترکمانان صحراگرد بود. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: (اسدپور، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۱۳۰).

۲. حیدرقلی‌خان سهام‌الدوله، حکمران بوزنجرد، خود را از امرای اربعه خراسان منفرد ساخته بود. او در پی آن بود تا در دهه ۱۲۸۰ق سرکردگان خراسان را مغضوب دولت سازد و خود را در خدمتگزاری راستین و حقیقی معرفی نماید و متعاقباً به جایگاه ممتاز سیاسی-نظامی دست یابد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵۷؛ ساکماق، ۴۰۷۷۱: ۲).

۳. سید کاظم تبریزی (حاج میرزا کاظم، مشهور به امام‌جمعه)، داماد مظفرالدین‌شاه و از رجال برجسته در حوزه سیاست و امام جماعتی مدرسه سپهسالار را عهده‌دار بود. در ۱۳۲۳ق از سوی مظفرالدین‌شاه به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد (سالور، ۱۳۷۴: ۱۶۷۸/۲؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۷۷۶/۲؛ ساکماق، ۴۱۵۵۹: ۱؛ ۴۱۶۱۴: ۱).

٤. از دورهٔ صفوی تا قاجار، لشکرنویس عهده‌دار محاسبه آمار و تعداد لشکریان و حساب جیره و مواجب آنان بود. بر اساس اسناد برجای‌مانده، گویا میرزا تقی و میرزا یوسف در مشهد اقامت و به لشکرنویسی مشغول بوده‌اند (ساکماق، ۴۰۶۷۹: ۹؛ ۴۰۶۸۴: ٤؛ ۱۵۷۹۹: ۹).

۵. اطلاعاتی از این افراد یافت نشد.

٦. اطلاعاتی از این فرد در دست نیست، گویا از علمای مشهد و در تعامل نسبی با آستان قدس رضوی بوده است.

۷. میرزا محمدخان (متوفی ۱۲۸٤ق) در ۱۲٦۷ق به حکومت سمنان و دامغان، در ۱۲۷۵ق به وزارت جنگ و نیز به عضویت شورای دولتی درآمد و ملقب به سپهسالار و در ۱۲۸۰ق ملقب به سپهسالار اعظم شد. یک سال بعد به وزارت اعظم انتخاب شد، اما در ۱۲۸۳ق به دلیل عدم‌کفایت، برکنار و به حکومت ایالات خراسان و سیستان و همزمان تولیت آستان قدی رضوی منصوب شد (بامداد، ۱۳۵۷: ۲۳۲/۳-۲۲۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵۳-۲٤۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۰: ۱۸٦٦/۳).

۸. میرزا اختر، پسر یغما، رئیس تلگراف‌خانه سمنان و از شعرا و اهل فرهنگ در حدفاصل زمانی ۱۳۰۰-۱۲۵۰ق (افضل‌الملک، ۱۳۸۹: ٥٤).

۹. امامزاده سید محمد (امیر غیاث‌الدین محمد) (متوفی ۸۳۲ق)، نسبش با هفده واسطه به پیشوای هفتم شیعیان می‌رسد. آرامگاه او معروف به گنبد خشتی، قدیمی‌ترین زیارتگاه مشهد پس از حرم مطهر است (لعل‌شاطری، ۱۳۹٦: ۹٦).

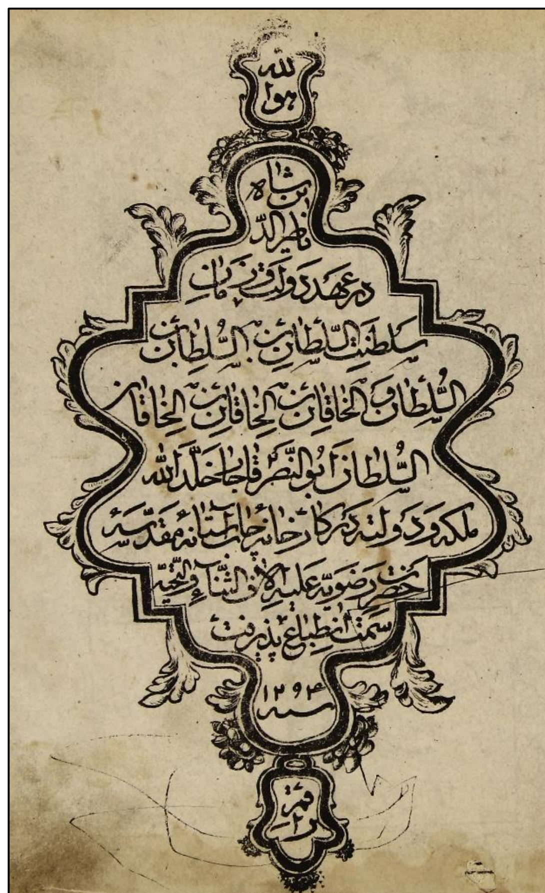
۱۰. میرزا مصطفی خان (مؤتمن‌الدوله)، پسر مؤتمن‌الملک در ۱۲۹۰ق منصب نایب‌التولیه را به دست آورد. پس از پایان دوران تولیت مؤتمن‌الملک در ۱۲۹۷ق، او به مدت دو ماه امور آستانه را عهده‌دار بود تا در ۱۲۹۸ق راهی تهران شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۲: ٦٦٦/۲؛ ممتحن‌الدوله، ۱۳٦٥: ۲۱۰؛ ساکماق، ۲۵۵۷۵: ۲؛ ۴۱۸۸۴: ٤، ۲؛ ۲۳۰۸۲: ۲؛ ۲۰۷٦۳: ٤؛ ۱۵۷٦: ۳۰).

۱۱. سلطان مراد میرزا پسر عباس‌میرزا، ملقب به حسام‌السلطنه (۱۳۰۰-۱۲۳۳ق) در دوره وزارت امیرکبیر، به شورش حسن‌خان سالار در خراسان پایان داد (۱۲٦٦ق). او سپس برای چند دهه حکومت خراسان، فارس، کردستان و کرمانشاه را عهده‌دار بود (خورموجی، ۱۳٦۳: ۸٤؛ عضدالدوله، ۱۳۵۵: ۲۸۸).

نصرالله[1] زید فَضلَهُ العالی عرض شد (همان: ۱۳۷-۱۳۵)، در منقبتِ مولای متقیان امیرمؤمنان علی(ع) عرض شد (همان: ۱۴۰-۱۳۷)، در مدح امام اول علی بن ابیطالب(ع) و گریز به مصیبت کربلا عرض شد (همان: ۱۴۲-۱۴۰)، ترجیع‌بندی که عرض شد[2] (همان: ۱۴۹-۱۴۲)، مُسَمَطی که در مدح علی بن ابیطالب(ع) عرض شد[3] (همان: ۱۵۲-۱۴۹)، مُسَمَطی که در جواب مولانا وفایی شوشتری[4] در مدح حضرت علی(ع) عرض شد (همان: ۱۵۸-۱۵۲)، در مدحِ رضا قلی‌خان مُستَشارِ دیوانخانهٔ عَدلیه[5] عرض شد (همان: ۱۶۱-۱۵۸)، در ورودِ سرکار مُقَرَّبُ الخاقان اَبوالحسن خان[6] عرض شد (همان: ۱۶۵-۱۶۱)، ترکیب‌بندی که در عید قربان خدمتِ جنابِ مستشارالملک عرض شد (همان: ۱۶۸-۱۶۵)، در کیفیتِ شهادتِ حضرت عباس(ع) عرض شد (همان: ۱۷۲-۱۶۸)، در شهادت حضرت قاسم بن الحسن(ع) عرض شد (همان: ۱۷۹-۱۷۲)، مثنوی‌ای که در مصیبت کربلا عرض شد[7] (همان: ۱۸۱-۱۷۹)، به مناسبت عید قربان و گریزی به مصیبت کربلا عرض شد (همان: ۱۸۲-۱۸۱)، در زبانِ حالِ امامِ شهید با شمرِ پلید عرض شد (همان: ۱۸۳-۱۸۲)، پیش‌درآمدِ اول که بر واقعه کربلا عرض شد[8] (همان: ۱۸۳)، پیش‌درآمدِ ثانی که بر واقعه کربلا عرض شد[9] (همان: ۱۸۴)، در وقایعِ خاکسپاری دُختِ پیمبر(ص) و مصیبت کربلا عرض شد[10] (همان: ۱۸۶-۱۸۴)، نوحه‌ای که در شهادت حضرت رضا(ع) عرض شد (همان: ۱۸۷-۱۸۶)، در مصیبت امام ثامن(ع) عرض شد (همان: ۱۸۹-۱۸۷)، در مصیبت کربلا[11] (همان: ۱۸۹)، به جهتِ اظهارِ نوع عرض شد (همان: ۱۸۹).

با بررسی اشعار موجود و چینش موضوعی می‌توان دریافت که از منظر محتوا با محوریت غالباً مدح، اشعار ارائه‌شده در سه زیرشاخه قابل تقسیم‌بندی است: ۱. مدح و منقبت و ذکر رشادت‌ها و مصایب ائمه‌اطهار(ع) و خاندان ایشان همچون مدح و منقبت پیامبر(ص)، اشاره به واقعه عید غدیر و عید قربان، مدح و منقبت امام علی(ع)، خاکسپاری حضرت زهرا(س)، واقعه کربلا به‌صورت عام و شهادت قاسم بن الحسن(ع)، عباس بن علی(ع) و حسین بن علی(ع) به‌صورت خاص، مصایب و شهادت حضرت رضا(ع) و همچنین جایگاه امامزادگانی همچون صالح در تجریش و سلطان محمد در مشهد. ۲. مدح متولیان، حکمرانان و فعالان سیاسی و نظامی خراسان و گاه سایر مناطق همچون مؤتمن‌الملک، میرزا مصطفی‌خان نایب‌التولیه، مستشارالملک، میرزا محمود گرکانی، امیر حسین‌خان خبوشانی، حسام‌السلطنه، اعتضادالملک، سپهسالار، سهام‌الدوله حیدر قلی‌خان، نظام‌الدوله حاجی حسین‌خان، سید کاظم تبریزی (امام‌جمعه)، رضا قلی‌خان مستشار دیوانخانهٔ عدلیه، مقرب الخاقان ابوالحسن خان، میرزا یوسف و میرزا تقی لشکرنویس. ۳. مدح اهل علم، ادب و فرهنگ همچون ملک‌الشعرا صبوری، میرزا نصرالله تاج‌الشعرا (شهاب اصفهانی)، شجاع‌الشعرا میرزا رونَق، شعاع‌الشعرا میرزا مَهوَش، حاجی میرزا ذبیح‌الله، حاجی میرزا محمدرضا، حاجی میرزا نصرالله، ملا عبدالرحمن شیخ‌الاسلام، میرزا اَختر و میرزا مهدی مهندس‌باشی.

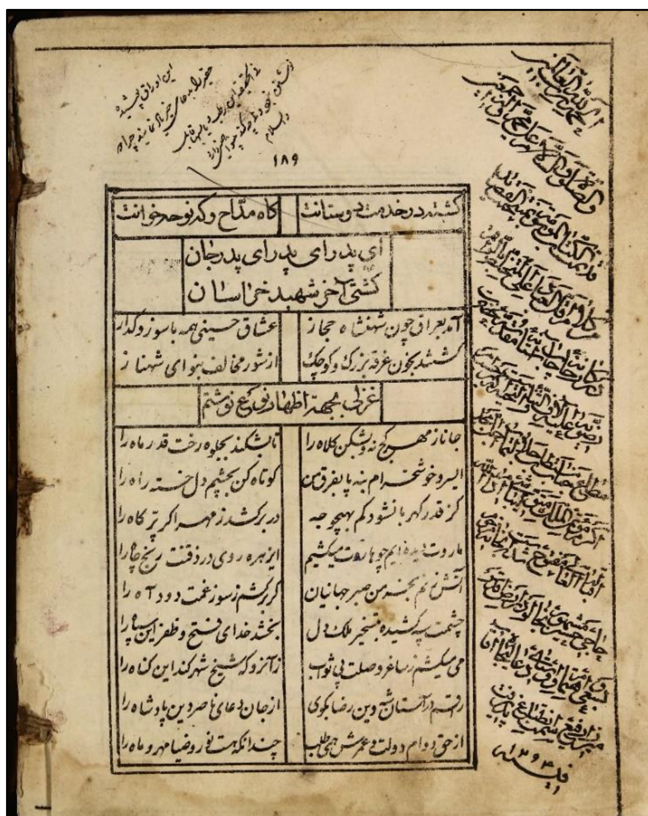
۱. اطلاعات گسترده از حاجی میرزا نصرالله (شیرازی) در دست نیست. مبنی بر اسناد، به‌احتمال فراوان او ازجمله، مدرسین و علمای مشهد و در تعامل نسبی با آستان قدس رضوی بوده است (ساکماق، ۴۰۵۴۲: ۳، ۴؛ ۴۳۶۰۲: ۱؛ ۲۰۲۰۴: ۱).
۲. در متن اصلی عنوان این اشعار «فی الترجیع» ذکر شده است.
۳. در متن اصلی عنوان این اشعار «فی المُسَمَط» ذکر شده است.
۴. آخوند ملا فتح‌الله متخلص به وفایی شوشتری (متوفی ۱۳۰۳ق)، از عارفان و شاعران اواسط دوره قاجار است. از او آثاری برجای‌مانده است ازجمله دیوان اشعارش که بارها در بمبئی چاپ شد (مدرسی‌چهاردهی، ۱۳۴۶: ۱۳۸-۱۳۶).
۵. اطلاعاتی از این فرد یافت نشد. به‌احتمال فراوان بر اساس عنوانی که به او اطلاق شده است، او مشاور عدلیه در مشهد بوده است.
۶. گویا منظور شاعر حاج میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک (متوفی ۱۳۰۳ق) است. او از ۱۲۶۲ق به مدت ۳۰ سال وزیر فارس بود (بامداد، ۱۳۵۷: ۱/ ۴۰-۳۹).
۷. در متن اصلی عنوان این اشعار «فی المثنوی» ذکر شده است.
۸. در متن اصلی عنوان این اشعار «پیش‌واقعهٔ مختصریست» ذکر شده است.
۹. در متن اصلی این اشعار فاقد عنوان است.
۱۰. در متن اصلی، عنوان این اشعار «فی المثنوی» ذکر شده است.
۱۱. در متن اصلی، عنوان این اشعار «فی المثنوی» ذکر شده است.



تصویر ۱: صفحه مشخصات (پشت برگ اول)



تصویر ۳، ۲: سرلوحه و نقوش تزیینی


۱۸۹

گشتند در خدمت دوستانش | گاه مداح و گه نوحه خوانش
ای پدر ای پدر ای پدر جان
کشتی آخر شهید خراسان
آمد بعراق چون شهنشاه حجاز | عشاق حسینی همه با سوز و گداز
گشتند بخون غرقه بزرگ و کوچک | از شور مخالف بنوای شهناز
غزلی بجهت اظهار فرح نوشتم
جانا ز مهر کج منه و بشکن کلاه را | تا بشکند بجلوه رخت قدر ماه را
ای سرو خوش خرام بنه پا بفرق من | کوتاه کن بچشم دل خسته راه را
گر قدر گهر با نشود کم بهیچ جه | در بر کشد ز مهر اگر پر کاه را
ماروت دیده ایم چو هاروت میکشیم | ای زهره روی در ذقنت رنج چاه را
آتش نهم بخرمن صبر جهانیان | گر بر کشم ز سوز غمت دود آه را
چشمت سپه کشیده بتسخیر ملک دل | بخشد خدای فتح و ظفر این سپاه را
می میکشم ز ساغر وصلت بی ثواب | زان رو که شیخ شهر کند این گناه را
رفتیم در آستان شه دین رضا بگوی | از جان دعای ناصر دین پادشاه را
از حق دوام دولت و عمرش همی طلب | چندانکه هست نور و ضیا مهر و ماه را

تصویر ٤: صفحه پایانی (انجامه)

نتیجه‌گیری

با ورود چاپ سنگی به ایران، نخست در تبریز و تهران و سپس در دیگر شهرها چاپخانه‌های متعددی غالباً به‌صورت شخصی و فارغ از حمایت دولت، آغاز به فعالیت کردند. مبنی بر بررسی آرشیوی صورت پذیرفته در این پژوهش، نخستین چاپخانه سنگی در مشهد، با حمایت آستان قدس رضوی تحت عنوان کارخانه چاپ (دارالطباعه) آستانه مقدسه رضویه با چاپ کتاب منتخب‌القصاید، اثر علی راقم‌مشهدی در ۱۲۹۴ق آغاز به فعالیت کرد. هرچند اطلاعاتی از نحوه تأسیس و ویژگی‌های فنی این چاپخانه در دست نیست، اما به‌احتمال فراوان الگوبرداری از چاپخانه‌های تبریز و تهران در کانون توجه قرار داشته است. در این بین، مؤتمن‌الملک به‌عنوان متولی وقت آستانه به واسط برخورداری از روحیه حمایت از اقدامات فرهنگی و علی راقم‌مشهدی در قالب فردی علاقمند به این حوزه، ارکانی مؤثر در تأسیس و تسریع انتشار در این چاپخانه بودند. مؤتمن‌الملک با صدور مجوز تأسیس و آغاز به فعالیت این چاپخانه، آغازگر بهره‌گیری از جریانی نو در عرصه تولیدات فرهنگی محسوب می‌شد و در نقطه مقابل راقم‌مشهدی به‌عنوان خوشنویس و شاعری نام‌آشنا که پیش از این در تولید نسخ خطی مشهد نقشی مشهود داشت، با ورود چاپ سنگی تلاش فراوانی برای نشر نخستین اثر عهده‌دار بودند. به‌احتمال‌فراوان، راقم با هماهنگی مؤتمن‌الملک در گام نخست مجموعه‌ای منتخب از اشعارش را که طی یک دهه سروده بود (۱۲۹۴-۱۲۸۴ق) جمع‌آوری و با کتابت خود، منتخب‌القصاید را آماده چاپ کرد؛ هرچند این اقدام را تا حد گسترده‌ای می‌توان در راستای اهداف بلندمدت او به‌ویژه دستیابی به مقام ملک‌الشعرایی و یا آغاز به فعالیت به‌عنوان یکی از عناصر فرهنگی اصلی آستان قدس رضوی، در راستای دستیابی به منافع مالی دانست. منتخب‌القصاید (نخستین کتاب چاپی مشهد و چاپخانه آستان قدس رضوی) با حمایت مالی اسماعیل تاجر هروی و نیز زیر نظر میرزا رفیع، استاد چاپ، انتشار یافت. این اثر از منظر ظاهری برخوردار از تجلید، صحافی، قطع، کاغذ، خط و آرایش درون‌متن (نقوش صفحه مشخصات و سرلوح، جدولبندی، کمند و غیره) به‌صورت نسبتاً مطلوب است که به‌عنوان اولین اثر انتشاریافته در کارخانه چاپ آستانه مقدسه رضویه، گویا اهتمام ویژه در تولید آن بود تا از سویی توان

رقابت با نسخ خطی -به‌عنوان یک سنت کهن در مشهد- را دارا باشد. همچنین از منظر محتوا، هرچند قرارگیری اشعار در پی یکدیگر از توالی انسجام‌یافته‌ای برخوردار نیست -که گویا تا حد گسترده‌ای به‌واسطه تعجیل در کتابت و آماده‌سازی کتاب بود- اما با خوانش متن، می‌توان سه زیرشاخهٔ مدح و منقبت و ذکر رشادت‌ها و مصائب ائمه‌اطهار(ع) و خاندان ایشان، مدح متولیان، حکمرانان و فعالان سیاسی-نظامی خراسان و گاه سایر مناطق، مدح اهل علم، ادب و فرهنگ را تشخیص داد. باتوجه به درون‌مایه اشعار می‌توان دریافت که به‌احتمال فراوان این مجموعه، مدایحی بوده است که از سوی راقم‌مشهدی در مراسم مذهبی حرم مطهر رضوی، ارائه شده بود.

فهرست منابع

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۸۸ش). «اصل واق در نقاشی ایران». ***هنرهای زیبا***. شماره ۱۵، ۳۸-۵.

۲. اسدپور، حمید. (۱۳۹۷ش). «بحران ترکستان و فروپاشی مرزهای شمال شرق ایران ۱۲۹۸ق/ ۱۸۸۰م». ***علوم و فنون مرزی***. شماره۲۴، ۱۱۹-۱۴۲.

۳. اصلانیان، صبوح دیوید. (۱۳۹۹ش). ***ظهور اولیه چاپ در عصر صفوی: نگاهی نو به نخستین چاپخانه ارمنیان در جلفای‌نو***. ترجمه مصطفی لعل شاطری. قم: وراقان.

۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۵۷ش). ***صدرالتواریخ***، به‌کوشش محمد شیری. تهران: روزبهان.

۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۰ش). ***تاریخ منتظم ناصری***. ج۳. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.

۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۱ش). ***المآثر و الآثار***. ج۱. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.

۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۲ش). ***مطلع الشمس***. به‌کوشش تیمور برهان لیمودهی. تهران: فرهنگسرا.

۸. افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۸۹ش). ***ظفرنامه عضدی***. تصحیح محمدرضا قصابیان. مشهد: انصار.

۹. امین‌الدوله، فرخ‌خان. (۱۳۵۸ش). ***مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله***. به‌کوشش کریم اصفهانیان. تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. اوکازاکی، شوکو. (۱۳۶۵ش). «قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ق در ایران». ترجمه هاشم رجب‌زاده. ***آینده***. شماره۳، ۴۱-۲۸.

۱۱. بابازاده، شهلا. (۱۳۷۸ش). ***تاریخ چاپ در ایران***. تهران: کتابخانه طهوری.

۱۲. بامداد، مهدی. (۱۳۵۷ش). ***شرح حال رجال ایران***. ج۳-۱. تهران: زوار.

۱۳. براون، ادوارد گرانویل. (بی‌تا). ***تاریخ مطبوعات و ادبیات در دورهٔ مشروطیت***. ج۲. ترجمه محمد عباسی. تهران: معرفت.

۱۴. بینش، تقی. (۱۳۴۷ش). «مینا ملک‌الشعرای آستان قدس». ***نامه آستان قدس***. شماره ۲۸، ۱۱۹-۱۰۰.

۱۵. پوپ، آرتور. (۱۳۸۷ش). ***سیری در هنر ایران***. ج۵، ۲. ترجمه نجف دریابندری. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۶. جلیلیان‌مصلحی، مصطفی. (۱۳۸۹ش). ***در آستان شوق: سیری در قلمرو شعر معاصر رضوی***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۷. خورموجی، محمد جعفر. (۱۳۶۳ش). ***حقایق الاخبار ناصری***. به‌کوشش خدیو جم. تهران: نشر نی.

۱۸. دیوان‌بیگی، احمد. (۱۳۶۴ش). ***حدیقه الشعرا***. ج۲. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: زرین.

۱۹. رستمی، مصطفی. (۱۳۹۲ش). ***جلدسازی ایرانیان از سلجوقیان تا قاجار***. تهران: متن.

۲۰. سالور، قهرمان‌میرزا. (۱۳۷۴ش). ***روزنامه خاطرات عین السلطنه***. ج۲. به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.

۲۱. سپهر، محمدتقی. (۱۳۷۷ش). ***ناسخ‌التواریخ***. ج۱. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

۲۲. سپهر، عبدالحسین. (۱۳۸۶ش). ***مرآت الوقایع مظفری***. ج۲. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.

۲۳. سدیدالسلطنه مینابی، محمدعلی. (۱۳۶۲). ***سفرنامه سدیدالسلطنه***. تصحیح احمد اقتداری. تهران: بهنشر.

۲۴. سلیمی، همایون. (۱۳۸۸ش). ***لیتوگرافی (چاپ سنگی)***. تهران: چارسوی هنر.

۲۵. سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰ش). ***هنر دربارهای ایران***. ترجمه ناهید محمد شیرانی. تهران: کارنگ.

۲۶. شچگلوا، المپیادا پاولونا. (۱۳۸۸ش). ***تاریخ چاپ سنگی در ایران.*** ترجمه پروین منزوی. تهران: معین.

۲۷. صبوری، محمدکاظم. (۱۳۴۲ش). ***دیوان حاج میرزا محمدکاظم صبوری.*** تصحیح محمد ملک‌زاده. تهران: ابن‌سینا.

۲۸. طهرانی، آقابزرگ. (بی‌تا). ***الذریعه الی تصانیف الشیعه.*** ج۹. بیروت: دار الاضواء.

۲۹. عشقی، جعفر. (۱۳۹۶ش). ***از آستان عشق: سیری در زندگی و شعر ملک‌الشعراهای بارگاه امام رضا(ع).*** مشهد: طنین قلم.

۳۰. عضدالدوله، احمد میرزا. (۱۳۵۵ش). ***تاریخ عضدی.*** به‌کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.

۳۱. عضدالملک، محمدحسین. (۱۳۷۹ش). ***طومار عضدالملک.*** به اهتمام مرکز خراسان‌شناسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۳۲. غلامی‌جلیسه، مجید. (۱۳۸۹ش). «شمارگان در کتاب‌های چاپ سنگی ایران». ***کتاب ماه.*** شماره ۱۵۹، ۹۸-۹۲.

۳۳. غلامی‌جلیسه، مجید. (۱۳۹۰ش). ***تاریخ چاپ سنگی اصفهان.*** تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۳۴. غفورزاده، محمدجواد. (۱۳۸۱ش). ***کتیبه خورشید (سروده‌هایی بدیع برای کتیبه‌های حرم).*** مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۳۵. فرخ، سید محمود. (۱۳۴۰ش). «مینا امیر الشعرای آستان قدس». ***نامه آستان قدس.*** شماره ۵، ۵۵-۵۴.

۳۶. قاسم‌نژاد، علی. (۱۳۷۶ش). «ملک‌الشعرا». ***فرهنگنامه ادب فارسی (دانشنامه ادب فارسی).*** ج۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۷. کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۵۷ش). ***تاریخ بیداری ایرانیان.*** ج۱. تهران: آگاه، تهران.

۳۸. گلشن‌آزادی، علی‌اکبر. (۱۳۷۳ش). ***صدسال شعر خراسان.*** به‌کوشش احمد کمال‌پور. مشهد: مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.

۳۹. لعل‌شاطری، مصطفی. (۱۳۹۶ش). «گنبد خشتی؛ قدیمی‌ترین بنای تاریخی پس از حرم حضرت رضا(ع)». ***زائر.*** شماره۲۵۷، ۹۷-۹۶.

۴۰. لعل‌شاطری، مصطفی. (۱۳۹۷ش). ***نخستین رویارویی‌های هنر عصر ناصری با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی).*** مشهد: مرندیز.

۴۱. مدرسی‌چهاردهی، مرتضی. (۱۳۴۶ش). «ورقی از تاریخ تصوف و عرفان وفائی شوشتری معرفی و نقد». ***ارمغان.*** شماره۳، ۱۴۰-۱۳۶.

۴۲. مرزآبادی، غلامحسین. (۱۳۵۱ش). «ملک‌الشعرایی در ایران». ***دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.*** شماره ۱۰۱، ۳۴-۱.

۴۳. مجتهدزاده، سید علیرضا. (۱۳۴۵ش). «ملک‌الشعراهای آستان قدس: ملک‌الشعرا بهار». ***نامه آستان قدس.*** شماره ۲۴، ۳۱-۲۴.

۴۴. محبوبی‌اردکانی، حسین. (۱۳۷۰ش). ***تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران.*** ج۱. تهران: دانشگاه تهران.

۴۵. مشار، خانبابا. (۱۳۵۱ش). فهرست ***کتاب‌های چاپی فارسی.*** ج۲. تهران: بی‌نا.

۴۶. ممتحن‌الدوله، مهدی. (۱۳۵۳ش). ***خاطرات ممتحن‌الدوله.*** به‌کوشش حسینقلی شقاقی. تهران: امیرکبیر.

۴۷. ممتحن‌الدوله، مهدی. (۱۳۶۵ش). ***رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری.*** به‌کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.

۴۸. مؤتمن، علی. (۱۳۵۵ش). ***تاریخ آستان قدس.*** مشهد: آستان قدس رضوی.

۴۹. مولانا، حمید. (۱۳۵۸ش). ***سیر ارتباطات اجتماعی در ایران.*** تهران: دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی.

۵۰. مولوی، عبدالحمید. (۱۳۵۳ش). ***پیش‌نویس موقوفات آستان قدس رضوی.*** ج۳. مشهد: آستان قدس رضوی.

۵۱. میرزای‌گلپایگانی، حسین. (۱۳۷۸ش). ***تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی).*** تهران: گلشن.

۵۲. ناشناس. (۱۳۵۶ش). ***آستان قدس رضوی: دیروز و امروز.*** مشهد: آستان قدس رضوی.

۵۳. هدایت، رضاقلی. (۱۳۴۰ش). ***مجمع الفصحا***. ج۲. تصحیح مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.

نسخ خطی

۵٤. راقم‌مشهدی، علی. (بی‌تا). ***حکایات منظوم***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
۵۵. راقم‌مشهدی، علی. (۱۲۸٤ق). ***گنجینه المعانی***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
۵٦. راقم‌مشهدی، علی. (۱۲۹٦ق). ***نصاب الشعراء***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
۵۷. راقم‌مشهدی، علی. (۱۳۰۲ق). ***زیارات***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
۵۸. راقم‌مشهدی، علی. (۱۳۱۰ق). ***دیوان راقم طوسی (الف)***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
۵۹. راقم‌مشهدی، علی. (۱۳۱٤ق). ***دیوان راقم طوسی (ب)***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
٦۰. راقم‌مشهدی، علی. (۱۳۲۱ق). ***دیوان راقم طوسی (ج)***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.
٦۱. تفرشی، ابوالحسن. (۱۳۱٤ق). ***تراپوتیک و دواسازی***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد.

چاپ سربی

٦۲. قائم‌مقام‌فراهانی، عیسی. (۱۲۳۳ق). ***رساله جهادیه***. تبریز: چاپخانه محمدعلی آشتیانی.
٦۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۲۴۱ق). ***حق‌الیقین***. تهران: چاپخانه زین‌العابدین تبریزی.
٦۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۲۴۴ق). ***زادالمعاد***. تهران: چاپخانه زین‌العابدین تبریزی.
٦۵. مفتون‌دنبلی، عبدالرزاق نجفقلی. (۱۲۴۱ق). ***مآثر السلطانیه***. تبریز: چاپخانه محمدباقر تبریزی.
٦٦. واعظ‌قزوینی، محمد رفیع. (۱۲۴۱ق). ***ابواب الجنان***، تبریز: چاپخانه خلیل تبریزی.

چاپ سنگی

٦۷. ***قرآن***. (۱۲۴۹ق). کاتب: محمدحسین تبریزی. تبریز: چاپخانه محمد صالح شیرازی.
٦۸. انصاری، مرتضی. (۱۲۹۵ق). ***رساله مسئله***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
٦۹. راقم‌مشهدی، علی. (۱۲۹٤ق). ***منتخب القصاید***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
۷۰. زنجانی، عبدالله. (۱۳۱۲ق). ***نورالمنابر***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد: چاپخانه شیخ محمد طهرانی.
۷۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۲۵۱ق). ***زادالمعاد***. کاتب: محمدحسین تبریزی. تبریز: چاپخانه علی تبریزی.
۷۲. مشهدی‌بخارایی، ذوالفقار. (۱۳۱۰ق). ***نجاه العاصین***. کاتب: علی راقم‌مشهدی. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.
73. Floor, Willem. (1990). "ČĀP". ***Encycloaedia Iranica***. Vol 4. New York: Bibliotheca Persica Press.
74. Green, Nile. (2010a). "Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts". ***Iranian Studies***. Vol 43, 305-331.
75. Green, Nile. (2010b). "Persian Print and the Stanhope Revolution: Industrialization, Evangelicalism, and the Birth of Printing in Early Qajar Iran". ***Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East***. Vol 30, 473-490.
76. Marzolph, Ulrich. (2002). "Early Printing History in Iran (1817-ca. 1900)". ***Middle Eastern Languages and the Print Revolution: A Cross-Cultural Encounter***. Westhofen: katalog Gutenberg Museum Mainz, 249-268.
77. Marzolph, Ulrich. (2007). "Persian Incunabula: A Definition and Assessment". ***Gutenberg-Jahrbuch***. Vol 82, 205-220.
78. Marzolph, Ulrich. (2001). ***Narrative Illustration in Persian Lithographed Books***. Leyden: Brill.
79. Shcheglova, Olimpiada. (1999). "Versions of Persian Manuscripts of Indian Manufacture in the Nineteenth Century". ***Manuscripta Orientalia***. Vol 5, 12-22.

اسناد

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

۸۰. ۱۵۷۶. (۱۲۹۸ق). «اسناد خرید و تحویل و تحول ادویه و اغذیه بیماران و مخارج متفرقه دارالشفاء»، ۵۱ص.

۸۱. ۱۵۰۶۸. (۱۲۹۹ق). «پرداخت مساعده و مواجب نقدی و جنسی به کارکنان وابسته به آستان قدس در ماه ربیع‌الاول»، ٤ص.

۸۲. ۱۵٦٦۴. (۱۳۰٤ق). «پرداخت و رسید مواجب نقدی و جنسی فراشان در ماه ذیقعده»، ۱٦۱ص.

۸۳. ۱۵۷۰۱. (۱۳۰۵ق). «پرداخت انعام و مواجب به فراشان حرم در ماه ذیقعده»، ۱۰ص.

۸٤. ۱۵۷۹۹. (۱۳۰٦ق). «پرداخت و رسید مواجب و انعام نقدی و جنسی کارکنان وابسته به آستان قدس در ماه جمادی‌الثانی»، ۱۱ص.

۸۵. ۱۵۸٦۷. (۱۳۰٦ق). «پرداخت مواجب نقدی و جنسی فراشان در ماه ذی‌الحجه»، ۵ص.

۸٦. ۱۷۵۱۷. (۱۳۲٤ق). «پرداخت مواجب نقدی و جنسی فراشان در ماه رجب»، ۸ص.

۸۷. ۱۸۹۲۰. (۱۳۰۲ق). «گزارش روزانه و گزارش حضور و غیاب و دروس مکتب‌خانه‌های اطفال ایتام سادات و میرزا ابوالحسن در ماه جمادی‌الثانی»، ۱۲ص.

۸۸. ۱۸۹۲۲. (۱۳۰۳ق). «گزارش روزانه دروس مکتب‌خانه‌های اطفال ایتام سادات و میرزا ابوالحسن در ماه رجب»، ۲۵ص.

۸۹. ۲۰۲۰۴. (۱۲۹۲ق). «پرداخت حق‌الارض ده رود به جهت طاحونه کبود حمام در ماه ذیقعده»، ۲ص.

۹۰. ۲۰۳۱۷. (۱۲۹۷ق). «پرداخت مواجب به کارکنان مخصوص ضریح مطهر در ماه شعبان»، ۱۰ص.

۹۱. ۲۰۳۴۷. (۱۲۹٤ق). «اسناد هزینه آستان قدس»، ۲۲ص.

۹۲. ۲۰۷٦۳. (۱۲۹۵ق). «پرداخت مواجب و انعام به کارکنان وابسته به آستان قدس در ماه شوال»، ۱۲ص.

۹۳. ۲۰۹۳۱. (۱۲۹۸ق). «پرداخت مواجب، انعام و مستمری کارکنان وابسته به آستان قدس در ماه ربیع‌الثانی»، ۵ص.

۹٤. ۲۱۲۴۳. (۱۳۰٦ق). «پرداخت مواجب و انعام به کارکنان وابسته به آستان قدس در ماه شعبان»، ۸ص.

۹۵. ۲۱۷۸۳. (۱۳۱۹ق). «پرداخت مواجب به امام‌جمعه خادم ضریح مطهر در ماه ذیقعده و بقیه کارکنان ضریح مطهر»، ۲ص.

۹٦. ۲۲۹٦٤. (۱۲۹۱ق). «مخارج تعمیرات حرم»، ٤ص.

۹۷. ۲۳۰۸۲. (۱۲۹۲ق). «مخارج تعمیر ایوان طلای صحن مقدس عتیق»، ۲ص.

۹۸. ۲۵۵۷۵. (۱۲۹۱ق). «صورت مخارج و مصارف کارخانه خدامی و زواری برای تهیه نهار و شام کارکنان کشیک در حرم و زوار در ماه ربیع‌الاول»، ٦ص.

۹۹. ۲۵۵۸٦. (۱۳۰۲ق). «صورت مخارج و مصارف کارخانه خدامی و زواری برای تهیه نهار و شام کارکنان آستان قدس و زوار و نیازمندان در ماه ذیحجه»، ٤ص.

۱۰۰. ۴۰۵۴۲. (۱۲۸٦ق). «پرداخت مستمری به جمعی از منسوبین آستان قدس»، ۳ص.

۱۰۱. ۴۰٦۷۹. (۱۲۸۸ق). «وجوهات نقدی تحویلی به میرزا ابوالقاسم تحویلدار از محل مزارع و املاک و مستغلات موقوفه آستان قدس در مشهد و ولایات»، ۱۱ص.

۱۰۲. ۴۰٦۸۴. (۱۲۸۸ق). «مصارف تعمیرات آستان قدس از محل وجوه تحویلی به میرزا ابوالقاسم تحویلدار»، ۴ص.

۱۰۳. ٤۰۷۱۰. (۱۲۸۹ق). «صورت پرداخت مواجب نقدی معوقه به مناسبت روز تولد حضرت ثامن‌الائمه امام رضا(ع) به کارکنان آستان قدس»، ۱ص.

۱۰٤. ۴۰۷۵۹. (۱۲۹۲ق). «مصارف تغزیه‌داری ایام عاشورا و شربت و شیرینی بابت اعیاد و ایام مبارک و شریف در آستان قدس»، ٦ص.

۱۰۵. ۴۰۷۷۱. (۱۲۹۲ق). «دستورات در باب تفویض خدمت جمعی از کارکنان در مشاغل مختلف آستان قدس»، ۸ص.

۱۰٦. ۴۰۸۷٦. (۱۲۹٤ق). «پرداخت انعام در وجه برخی از منسوبین آستان قدس و تکلف به علما و تسلیم وجوه نقدی و جنسی به زائرین و در راه ماندگان از صورتحساب تحویلداران»، ۱۱ص.

۱۰۷. ۴۰۸۹۷. (۱۲۹۵ق). «پرداخت انعام به‌صورت نقدی و جنسی به کارکنان و افراد متفرقه توسط آستان قدس»، ۱٤ص.
۱۰۸. ۴۰۹۶۳. (۱۲۹۷ق). «پرداخت مواجب به جمعی از کارکنان آستان قدس (عمال، ارباب مناصب)»، ۷ص.
۱۰۹. ۴۱۱۲۸. (۱۳۰۸ق). «پرداخت مواجب جمعی از کارکنان آستان قدس (عمال و ارباب مناصب) و مباشرین کتابخانه از محل وجوه تحویلی به حاجی میرزا عبدالله تحویلدار کل»، ۱۱ص.
۱۱۰. ۴۱۳۵۴. (۱۳۱۷ق). «مواجب و مستمری پرداخت مواجب عمال و ارباب مناصب آستان قدس از محل وجوه تحویلی به علی‌اکبر تحویلدار کل»، ۹ص.
۱۱۱. ۴۱۵۵۹. (۱۳۲۳ق). «حکم میرزا کاظم آقا متولی‌باشی در خصوص اینکه صحت قبوض مرسومات کارکنان آستان قدس باید به مهر و تأیید میرزا محمدعلی صدیق دفتر برسد»، ۱ص.
۱۱۲. ۴۱۶۱۴. (۱۳۲٤ق). «صورت‌حساب عشریه و شخصی حاجی میرزا کاظم آقا تولیت آستان قدس»، ۳ص.
۱۱۳. ۴۱۸۸۴. (۱۲۹۱ق). «حواله پرداخت وجه بابت خرید اجناس موردنیاز جهت مصرف در اماکن آستان قدس»، ۴ص.
۱۱٤. ۴۱۹۰۱. (۱۲۹۳ق). «حواله‌های پرداخت وجوه نقدی جهت انجام امور تعمیراتی و ساختمانی در قنوات، مزارع و مستغلات آستان قدس»، ۳٦ص.
۱۱۵. ۴۱۹۱۴. (۱۲۹۳ق). «حواله‌های پرداخت وجوه نقدی جهت تنفیه و تعمیرات آستان قدس»، ۱۰ص.
۱۱٦. ٤۱۹۲۲. (۱۲۹٤ق). «حواله‌های پرداخت وجه بابت مخارج برپایی مراسم سوگواری و اعیاد مذهبی در آستان قدس»، ۸ص.
۱۱۷. ۴۱۹۲۵. (۱۲۹٦ق). «حواله‌های پرداخت وجوه نقدی و جنسی بابت انعام اعطایی به جمعی از کارکنان آستان قدس»، ۱٦ص.
۱۱۸. ۴۳۵۱۰. (۱۲۹۹ق). «صورت شاهی اشرفی که در روز عید سعید غدیر به افراد مختلف پرداخت شده است»، ۲ص.
۱۱۹. ۴۳۶۰۲. (۱۲۸۷ق). «طومار رسید پرداخت مواجب جنسی سالیانه اول کارکنان کشیک‌های پنج‌گانه به تاریخ جمادی‌الثانی»، ۱ص.
۱۲۰. ٦۳۷۹۸. (۱۳٤۵ق). «مکاتبه محمدولی اسدی با اداره لشکر شرق در خصوص امکان‌پذیر نبودن ساخت مدل تیراندازی در مطبعه چاپ سنگی آستان قدس و درخواست فرستادن یک نفر کاردان جهت این امر»، ۳ص.
۱۲۱. ۱۰۵۳۲۳. (۱۳٤۳ق). «شکایت کربلایی میرزا آقا مطبعه‌چی آستانه از شخصی به نام حسین به دلیل بیرون ریختن اسباب وی از محل کارش به بهانه حکم تخلیه محل»، ۱ص.
۱۲۲. ۲۰۵۲۴۳. (بی‌تا). «صورت اسامی کارکنان کشیک‌های پنج‌گانه آستان قدس رضوی»، ۲۲ص.
۱۲۳. ۲۰۴۷۷۷. (بی‌تا). «نامه‌هایی با سجع مهر مصطفی قلی در خصوص خرید تخم توسط سالار ابراهیم و سالار علی‌اکبر، پرداخت وجهی به حاجی حسین خالو و اعزام مأموری جهت وصول گندم آستانه به قوچان»، ۷ص.
۱۲۴. ۲۰۴۹۱۳. (بی‌تا). «درخواست خالو حسین کالسکه‌چی از آستان قدس رضوی جهت کمک به وی و صدور حکمی در این رابطه»، ۱ص.